

اتحاد و مبارزه کارگران، دشمنان و همه زحمتکشان آذربایجان توطئه‌های سرمایه داری لیبرال را درهم خواهد شکست

● برای عمق بخشیدن هر چه بیشتر مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان، قدرت طلبی لیبرالهای ضد انقلاب را درهم بشکنیم.

خلق قهرمان آذربایجان در ماه‌های قبل از سقوط شاه در آن روزهایی که زحمتکشان

سپه‌ن مایه باخاسته و کمر بسته سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه و امپریالیسم جهانخواه بسته بودند، در آن روزها که کارگران قهرمان سپه‌ن مایه کارخانه بسته اعتصاب‌های طولانی مدت دست زده، چرخ تولید سرمایه داری را از حرکت باز داشته بودند،

بقیه در صفحه ۱۰

توده‌ها و فراندوم مردم در عمل نشان دادند که بین مبارزه ضد امپریالیستی و سیاست‌های ارتجاعی فرق می‌گذارند

فراندم قانون اساسی برگزار شد و همانگونه که پیش بینی می‌شد تلویزیون دولتی و سخنگویان رسمی و غیررسمی حکومت گوشیدند این نوبت را پدید آوردند که بیش از ۹۸ درصد مردم به این قانون رای مثبت دادند. اما ببینیم واقعیت چه بود؟

مقامات مسئول از مدتها پیش از برگزاری فراندوم تلاش وسیعی برای نشان دادن توده‌ها به پای صندوق‌های رای آغاز کرده بودند، انتخاب روزهای محرم نیز برای برگزاری فراندوم کاملاً حساب شده بود. تبلیغات شبانه‌روزی حکومت، عوام‌فریبی‌های تلویزیون و استفاده از احساسات مذهبی مردم در روزهای محرم و در آستانه برگزینی فراندوم به‌طرح خود رسید. بعلاوه رژیم کوشید تا از اوج گیسوی مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها نیز برای به تصویب رساندن قانون اساسی بهره‌برداری کند. گردانندگان ترازوی قانون اساسی مرتباً تلاش می‌کردند که "پیروزی" مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک توده‌ها را همان تصویب قانون اساسی قلمداد کنند.

سخنگویان رسمی و غیررسمی حکومتی با استفاده از همه امکانات وسیع تبلیغاتی از مساجد و تگاپارک‌ها تا تلویزیون و روزنامه‌ها و تظاهرات و راهپیمایی‌ها، تلاش کردند این تصور را در توده‌ها پدید آورند که هر کسی با قانون اساسی مخالف است دشمن مردم است. آنها با اشاعه شعارهایی از قبیل "رای ما آری، نه رای امریکائی" "بسیا ماده قانون اساسی رای آری می‌دهیم در نبرد با امریکا اسلام را باری می‌دهیم" ترشیدند تا آنجا که محک است این ترحم را بوجود آورند. کسی که اعتقادات مذهبی دارد باید به قانون اساسی رای مثبت بدهد و یقیناً که رای به قانون اساسی همان مبارزه ضد امپریالیستی است. اما نتیجه چه شد. همه چیز از جمله سکوت دستگاه‌های تبلیغاتی دولتی در مورد نتایج فراندوم، گویای شکست انتظاراتی است که برآورده نماند.

تقریباً نیمی از حوزهای اخذ رای تهران و شهرستان‌ها از همان روز اول رای‌گیری کساد بودند و دیگر نیز مشتری چندانی نداشتند و در شلوغ‌ترین ساعات روز نیز با اصلاحی در برابر صندوق‌ها تشکیل نمی‌شد و با صف‌ها کوتاه بود و در بر جمعیت‌ترین شکل آن بیست و شش سی جبهه نفر در صف نبودند. در روز دوم رای‌گیری اکثر حوزه‌ها مگس می‌پراندند و در شلوغ‌ترین قسمت‌های شهر تهران مثل نازی آباد و امامزاده حسن هر جا صفی تشکیل شده بود، برای خرید پودر رختشویی، نان و تخم مرغ و غیره بود. زندگی عادی مردم جریان داشت و هیچ جنب و جوشی در کنار صندوق‌ها دیده نمی‌شد، گویی اصلاح‌فراندومی در کار نبود، اما وزارت کشور جمهوری اسلامی در تهران اعلام کرد دو میلیون و سیصد و پنجاه هزار نفر به قانون اساسی رای دادند. اگر این ادعا درست باشد باید در هر دور رای‌گیری از لحظه آغاز کار صندوق‌ها تا پایان آن مردم بقیه در صفحه ۲

تحصن کارگران بیکار و مبارزه ضد امپریالیستی اکنون میسوم و آنارشیسیم

در حرف با هم دشمن اند، ولی در عمل دست همدیگر را

می فشارند

دست می‌زنند. آنها در اینکار به اشکال مختلف مبارزه رومی‌آوردند ولی همانطور که بعد از تمام دیده‌ایم اشکال عمده مبارزه آنها تحصن و راهپیمایی بوده و هر زمان که

بیکاری یکی از مسائلی است که زائیده نظام سرمایه داری است و کارگران و بیروهای زحمتکش جامعه ما با آن دست‌به‌گرم می‌باشند. خود درست تشخیص می‌دهند.

بقیه در صفحه ۳

چه کسانی می‌خواهند

رهبران جنایتکار امپریالیسم آمریکا را

دوست مردم جا بزنند

به دنبال حملات "دوآردکندی" به کار تروسپاست، پناه دادن شاه‌ها، در یک سفر انتخاباتی ایراد شده بود تلویزیون جمهوری اسلامی طی گفتار سیاسی در اخبار روز دوشنبه ۱۲ آذر تفسیری پخش کرد که هر چشم‌تیزبین سیاسی می‌توانست وابستگی و ماهیت این دستگاه تبلیغاتی را در لابلای کلمات آن

در این گفتار کوشش شد "ساتور" ادوار دکندی "مرد شریف و منصفی" هر می‌شده و برای او محبت و احترام تراشیده شود. در این گفتار نه استناد دگت‌های "کندی" از جمله این گفته‌ی که "چگونه می‌توانیم دولت فعلی امریکا را تیرنه کنیم، در حالیکه نحسی را می‌پذیرد که می‌خواهد بده اینجانباید و ما دهها میلیاردر دلار بولی که از ایران در دست ما است، دروغی ما قلمداد کنید." گویا شد علت جریان در روابط ایران با امپریالیسم آمریکا "خطاهای سیاسی کارتر" توصیف و تملیح شود. در این گفتار رسمی شد علت اساسی دشمنی مردم ما با امپریالیسم امریکارا دوستی کارتر با شاه جلوه‌دهنده تار است برای

بقیه در صفحه ۹

هفتاد هزار کشته، صد هزار زخمی

هرگز مباد، سازش، هرگز مباد تسلیم

هراران مکر و حيله می‌خواهند سر مصدر قدرت بنشینند، مصمم هستند که به قیمت پایمال کردن خون شهدا و نابودی تمسرات قیام، حکومت خود را بدین ترتیب ادامه دهند.

قانون اساسی تصویب شد، در مجلس خبرگان راه را برای چه می‌توان نام نهاد؟ قبل از اشاره به ماهیت ارتجاعی آن که خود به خود رسته را برای وابستگی به سرمایه‌داری جهانی و رسیدن

به راستی خلق ما با اثار خون خود در جریان قیام چه هدفی را دنبال می‌کردیم؟ ما باید کمی به عقب برگردیم و به مرور آن ارزش‌های عانی بپردازیم که در طی قیام سل در جبهه‌های مبارزتی و سوسوند در دل حرکت

سازیم و در عا رنه گرمند و سبیز شد. این ارزش‌ها به عبور و تحلیلی جویس، شاه‌زور، سر چریک‌های و هر روزی از جبهه‌ها رسیدن‌ها می‌باشند. در عا فراموشی و بی‌توجهی به آن‌ها می‌کند

بقیه در صفحه ۴

در این شماره:

وقایع اخیر تبریز

ونقشه‌های ضد انقلابی سرمایه داران

در صفحه ۱۱

مستحکم باد پیوند مبارزاتی خلقهای ایران

پیام هیئت نمایندگی خلق کرد

به کنگره شوراهای روستائی ترکمن صحرا

در صفحه ۱۲

جاسوسان ارتش در خدمت

تصفیه نیروهای آگاه و مبارز در آموزش و پرورش

در صفحه ۱۲

گزارشی از مبارزات کارگران کارخانه دکتر عبیدی

کارگران با اتحاد خود

نقشه‌های کارفرما را نقش بر آب کردند

در صفحه ۶

انقلاب گیسور اکتبر به منزله آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان

لنین از فوریه تا اکتبر

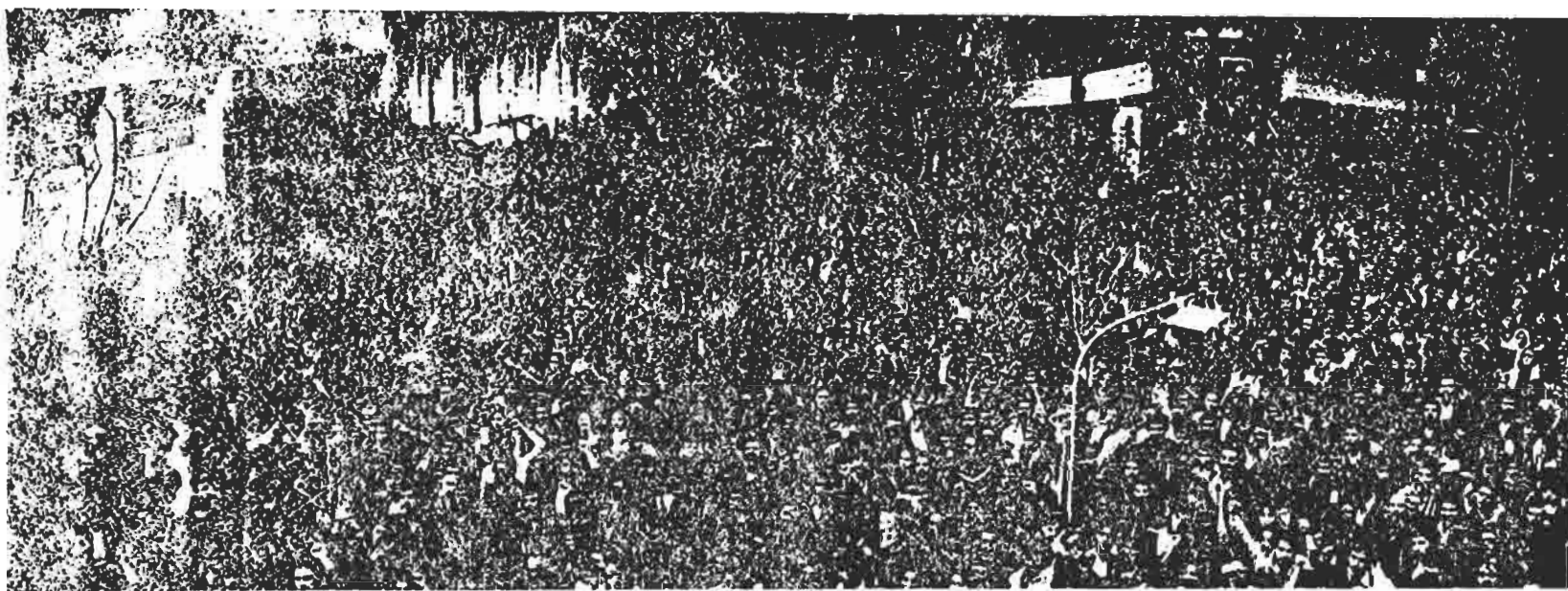
در صفحه ۸

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به سازمان دانشجویان یسکام به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

در صفحه ۷

پیروزیات مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران



صحنه‌ای از گردهمایی سازمان دانشجویان پیوسته مبارز در دانشکده پلی تکنیک به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

بقیه از صفحه ۱

توده‌ها و فراندوم

مردم در عمل نشان دادند که بین مبارزه ضد امپریالیستی و سیاست‌های ...

ضدامپریالیستی تاریخ ربه نمایش می‌گذارد اما وقتی صحبت از تصویب قانون اساسی است به آرامی دست زد به سین و حنا نیست می‌زند و با احترام می‌گوید اجازه دهید مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک را ادامه دهیم .

لیکن توده با آنکه اینک تا اندازه زیادی میان مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک و سیاست‌های ارتجاعی مرزی کشد ، اما هنوز کمی زود است تا بتواند میان هدف‌های انقلابی خود و همه جنبه‌های سیاست‌های ارتجاعی قشریستون و هدف‌های ضداصلی لیبرال‌هایی که لباس توده را می‌پوشند و حرف توده را تکرار می‌کنند به تمامی و با قاطعیت مرز بکشد .

سرنوشت قانون اساسی و ولایت فقیه از هم اکنون معلوم است . این قانون با محتوای مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک طبقه کارگر و زحمتکشان ایران منطبق نیست و در برخورد با واقعیت ، با امواج خروشان جنبش ترقیخواهان توده پیوسته ساخته خواهد شد و سرانجام فرو خواهد ریخت .

در این کشاکش لیبرال‌ها در کمین نشسته‌اند تا از هر فرصتی برای فریب توده و تحکیم سرمایه‌داری وابسته بهره‌برداری کنند . سیاست مداران سرمایه‌داری لیبرال با آگاهی از مخالفت توده‌ها نسبت به قانون اساسی ارتجاعی مجلس خبرگان ، از ماه‌ها پیش از برگزاری فرماندم ، برای چنین روزهایی لباس عروسی دوخته‌اند .

آن‌ها مدت‌هاست که آماده شده‌اند لیبرالیسم ضداصلی خود را به جای دمکراتیسم انقلابی توده‌ها جایز نهند . لیبرال‌ها در این فکرند که با تکرار شعارهای توده‌هایی که از سیاست‌های ضدمکراتیک و ارتجاعی سرخورده می‌شوند آنان را بر ضد خودشان بشورانند و خون آنان را وسیله تحکیم سرمایه‌داری وابسته قرار دهند و در بستری که از خون شهدای ایران گلگون است "دور از چشم اغیار" - سروس سرمایه‌داری را در آغوش بکشند .

وظیفه کمونیست‌ها و سایر نیروهای ترقیخواه روشن است . باید صفوف خود را در برابر سرمایه‌داری و امپریالیست‌های حامی آن فشرده تر کنیم ، در آگاهی و تشکل توده‌ها بکوشیم و با اکتای قاطعانه اجزای ، محافل و عناصر وابسته به سرمایه داری ، آنان را از صفوف جنبش طرد کنیم .

■ اگر قبول کنیم که حوزه‌های اخذ رای روزی ۱۴ ساعت و به مدت ۲ روز دایر بوده‌اند ، با محاسبه زیر زمان ۷۰ ثانیه به دست می‌آید .

$$\frac{20350000}{24 \times 3600 \times 14} = 70/2 \text{ ثانیه}$$

مدام وبی وقفه در حال رای دادن می‌بودند و در هر ۷۰ ثانیه ۱۶۵۰ رای در ۱۶۵۰ حوزه به صندوق‌ها سرازیر می‌شد . اما وقتی از همان روز اول به شهادت همه مردم ایران حوزه‌های رای گیری تابان حد خلوت بوده با پداز کارگردانان ترازدی قانون اساسی برسید این رای‌ها را چه کسانی و کی به صندوق‌ها ریخته‌اند ؟ البته پاسخ این سؤال را مردم ایران می‌دانند . لیکن از پاسخ دقیق و جزئی به جز این سؤال فقط خود حضرات کارگزاران قانون اساسی با خبرند .

فراندوم قانون اساسی در برخی از مناطق پر جمعیت کشور مثل کردستان به کلی تحریم بود و در بسیاری از نقاط دیگر نیز بخش‌های عظیمی از مردم آن را تحریم کردند .

بعلاوه کسانی هم که به قانون اساسی رای دادند صرفاً تصور می‌کردند که این قانون منافع مردم را تامین می‌کند و در جهت مبارزات ضدامپریالیستی دمکراتیک مردم ایران است . اکثریت رای دهندگان روحشان از محتوای قانون خبر نداشت ، آنها اغلب رای به قانون اساسی را انجام فریضه دینی واجبات امری پنداشتند از مصاحبه‌های تلویزیونی که فقط نظریات دهندگان به قانون اساسی را منعکس می‌کردند نیز به خوبی معلوم بود که اغلب مصاحبه کنندگان نمی‌دانستند که این قانون منافع آنهاست . آنها در پاسخ به این پرسش که آیا اصول قانون اساسی آشنایی دارند یا خیر جواب منفی می‌دادند و وقتی سؤال می‌شد پس چرا رای مثبت می‌دهید می‌گفتند " چون امام خمینی رای مثبت می‌دهد ما هم رای مثبت می‌دهیم " و یا " چون اگر این قانون بد بود ، امام آن را تأیید نمی‌کرد " .

بنابراین اغلب آنها بی‌هم‌کراهی مثبت دادمانند ، مثل کسانی که فراندوم را تحریم کرده‌اند ، خواستار تحقق اهداف مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک جنبش هستند .

با توجه به همه این حقایق می‌توان به جرات پذیرفت که بیش از نیمی از ۲۳ میلیون حائزان شرایط شرکت در فراندوم به پستی صندوق‌ها نرفتند و عملاً اکثریت مردم ایران با تحریم فراندوم ، بر قانون اساسی مجلس خبرگان مهر ابطال زده‌بودند . سان شکست سیاست کهنه پرستانه و فریب توده را اعلام کردند . توده با رد یگرو با صدایی رساتر از پیش افسانه ۹۸ درصد دنباله رو و یکی دودرصد مخالف را در هم شکست . توده با صدای بلند اعلام کرد که من آگاه‌تر از آنم که قشریون تصویری کنند . توده به زعم تهدیدها و جاسانندن برجسب‌های ناچسب قشریون و عوام‌فریبی‌های " ضد توده‌ای‌های " ما آری گو که می‌گفتند هر کس رای ندهد امریکایی است گول نخورد و مرعوب هم نشد . توده میان مبارزات ضدامپریالیستی دمکراتیک و گرایش‌های ارتجاعی مرز کشید . توده برای حمایت از تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم امریکا ، از امریکارخانه‌ها ، از اعماق دهات ، از چهار گوشه ایران بیکارچه ، با شت‌های گره‌کرده و غریب شور و شغف بیرون ریخت و می‌ریزد و بزرگترین تظاهرات

■ کارگران صنایع چوب ایران با اتحاد خود در مقابل زورگوییهای کارفرما قاطعانه ایستادند .

کارخانه صنایع چوب ایران که بعد از قیام و فرار کارفرما به خارج توسط کارگران راه‌اندازی شده بود ، بعد از بازگشت مجدد کارفرما و بالطبع آغاز زورگویی‌های دوباره او کارگران را با راه‌ها با مشکلات جدی روبرو کرده‌است . اخیراً در پی تهدید کارفرما ، مبنی بر اخراج تعدادی از کارگران و کم کردن حقوق و مزایای کارگران که به بهانه نداشتن بازار فروش صورت می‌گرفت ، کارگران این واحد شروع به اعتراض کردند و موازخروج کالای ساخته شده از کارخانه جلوگیری نمودند .

شورای کارگری کارخانه همکاری و همگامی کارگران تصمیم گرفت که با گروهان گیری کارفرما و دعوت از نمایندگان شورای انقلاب اسلامی بر خود سری‌های کارفرما لگام زده و در جهت جلوگیری از اخراج و کم کردن حقوق کارگران از کارفرما تضمین بگیرد . به همین منظور در تاریخ ۵ آذر از خروج کارفرما از کارخانه بعد از پایان کار ، جلوگیری می‌کنند و برای حل و فصل قضا با نمایندگان شورای انقلاب اسلامی دعوت می‌کنند که به کارخانه بیایند . پس از حضور نمایندگان وزارت کار ، کمیته سرکزی پاسداران و نمایندگان شورای انقلاب اسلامی و پس از مباحثات فراوان سرانجام ۴ صبح روز بعد در پی یافتاری کارگران و بیکارچگی که از خود نشان می‌دهند ، کارفرما مجبوری می‌شود که در مورد عدم اخراج و کم نکردن حقوق به کارگران تضمین بدهد . در این حرکت خانگی کارگران با حضور شبانه خود در کارخانه از خواست‌های عادلانه کارگران این واحد حمایت کردند ، همچنین مدهای کارگران دیگر واحدهای منطقه نیز از خواست‌های برحق کارگران پشتیبانی کردند .

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

نامهای از دهک کتابفروشی های خیابانی به نشریه "کار":

سرمایه داری وابسته

به دست زحمتکشان ملی باید گردد

به جیب انحصارات امریکائیس
سرازیر می گردد.
شورای کارکنان ... با اعلام
این که در عرض ۵ سال استفاده
از کامپیوترهای استیجاری موجود
در این وزارتخانه مبلغی به مراتب
بیشتر از سهم واقعی آن بابت
اجاره به شرکت آی بی ام پرداخت
شده است می گوید.
"از آنجا که کمیسیون
انفورماتیک نخست وزیر در طی
۹ ماه گذشته نه تنها با اقدام
انقلابی و فاطم به این تراجگری
پایان نداده، بلکه گویا مشغول
مذاکره با کمپانی های وابسته به
امپریالیسم برای راضی کردن
آنها می باشد ... خواستار
"ملی کردن کامپیوترهای
استیجاری از طریق مصادره و لغت
قراردادهای مربوطه و افشای

شورای کارکنان خدمات ماشینی
انفورماتیک وزارت آموزش و
پرورش در طی بیانیه ای به افتخار
ماهیت غارتگرانه یکسی از
قراردادهای پرداخته است که در
دوران حکومت ننگین رژیم پهلوی
بر کشور ما تحمیل گشته است و هنوز
به قوت خود باقی است. در قسمتی از
این بیانیه آمده است که "در کشور ما
هم اکنون در حدود ۸۴ دستگاه
کامپیوتر موجود دارد. و در حدود
۸۵ درصد کامپیوترهای موجود در
اختیار سازمان های دولتی است
که متجاوز از ۷۰٪ آنها به صورت
استیجاری می باشد. روی هم رفته
روزانه بیش از یک میلیون دلار
(سالانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون
دلار) تنها بابت اجاره هزینه
تعمیر و نگهداری این کامپیوترها

ارقام و اطلاعات مربوط به کلیه
قراردادهای کامپیوتری اعم از
خرید، اجاره، تعمیر و
نگهداری مطرح و سیستم ها و
غیره ... شده است.
در شرایطی که دولت مذاکره با
انحصارات را به عنوان راه حل
انقلابی جامی زند وظیفه کلیه
نیروهای انقلابی و مترقی است که
با انشای قراردادهای غارتگرانه
مشابه با انحصارات امپریالیستی و
ماهیت ضد خلقی این قراردادها
بارسو نمودن سرسپردگان
امپریالیسم، بالغو این قراردادها
ملی کردن و مصادره اصول
انحصارات امپریالیستی توسط
شورای کارگران و کارکنان این
موسسات در راه قطع کامل سلطه
سیاسی، اقتصادی، نظامی و
فرهنگی امپریالیسم گام بردارند.

آقای شهردار تهران در روزنامه
اطلاعات (دوشنبه ۲۵ آذر ۵۸)
خطاب به بساطی های کنسار
خیابان و دهک داران می گویند
که مردم از شما شکایت کرده و
خواستار برجیدن بساطها
شده اند و تهدید می کنند که در
صورت عدم توجه به اخطار
شهرداری، مردم انقلابی
شهر و شهرداری تهران ملزم به
انجام وظایف قانونی و شرعی
خود خواهند شد.
باید از آقای شهردار پرسید
این مردمی که شکایت کرده اند
آیا همان صاحبان لوکس فروشی های
خیابان مصدق و غیره ... هستند
با مشتریان این بساطها و
دهک های کنار خیابانها؟
اگر این شکایت مشتریان
بساطها نیستند و نمی توانند
باشند پس شما به حمایت از کدام
مردم می خراهد بساطها را
به هم بریزد آن هم به کمک
مردم انقلابی شهر؟

برضد انقلابند.
بازرگان سازشکار، همسرا
بیزینسی، تو ضد انقلابی
کارگران، اتحاد بر علیه آمریکا
کارگرو زحمتکش دشمن امپریالیسم
سرمایه دار مزدور نوکرا امپریالیسم
اگر ابراجاد نشه، آمریکا اگر
اخراج نشه، وعده و وعید نسون
نمیته
اقتصاد وابسته عامل هر بیکاری
بحث های شدیدی در گرفتند
گروندگان اشرف خواهان
گروگان گرفتن کارمندان وزارت کار
بودند. برای آنها مهم این مسئله
بود که هر طور شده درگیری ایجاد
کنند. با افسران ناآگاه، با
کارمندان وزارت کار، با شیشه های
ساختمان، خلاصه با هر چه در
اختیار داشتند، خشم خود را
ظاهر کردند. آنها فارغ از این اندیشه
که جو عمومی ضد امپریالیستی سراسر
کشور را فرا گرفته و ضرورت پیوند
خاص اقتصادی بیکاران با مبارزه
ضد امپریالیستی توده به امر
حساس و فوری بدل شده بود،
ظواهر امانان مورد احتیاج بیکاران
فکرمی کردند و سیاست تحمیل
طولانی و همراه با زد و خورد و
گروگان گیری کارمندان را مصرانه
ناشد می نمودند. سیاست اصولی
در این مورد این بود که کارگران بیکار
می بایستی ضمن راهپیمایی به وزارت
کار، مبارزه با امپریالیسم و مبارزه
برای تامین کار را در شعارهای
خزش به شیوه اصولی تلفیق کرده
و یکپارچه
می کردند و پس از رسیدن به
وزارت کار و خواندن قطعنامه ای
حاوی تلفیق ذکر شده، راهپیمایی
خوش راه سمت سفارت امریکسا
ادامه می دادند و در مقابل سفارت
قطعنامه ای منکی بر ضرورت شرکت
عملی کارگران به ویژه کارگران
بیکار در مبارزه ضد امپریالیستی
نوده ها و ضرورت مبارزه برای
حقوق اردست رفته بیکار صادر
می نمودند. ا طرف دیگر
اگرومیست های حط به از آنجا که
همواره جنبه اقتصادی مبارزه
کارگران را در مد نظر دارد و از همه

تحصن کارگران بیکار و مبارزه ضد امپریالیستی
اکنون میسم و آنارشیسم در حرف با هم دشمن اند.
۲- حق بیمه بیکاری
۳- دفترچه بیمه درمانی برای
کارگران و خانواده آنها
۴- تحویل خانه کارگر
کارگران بیکار در روز ۱۴ مهر در
مقابل وزارت کار جمع شده و برای
مذاکره با وزیر کار (اسپهبدی)
هیئت نمایندگی متشکل از ۷ نفر
تشکیل دادند اما وزیر کار کارگران
خواست که دو هفته بعد مراجعه کنند تا
به آنها جواب دهد. ولی وزیر در
موند مقرر جواب نداد و کارگران
قرار گذاشتند که روز ۵ آبان جلوی
وزارت کار جمع شوند و اگر وزارت کار،
خانه کارگر را تحویل نداد خود به
اشغال خانه کارگر اقدام کنند که این
اقدام روز ۵ آبان انجام می گیرد
در همان روز نام نویسی برای
سند بیکاری اصابف آغاز می شود. در
تاریخ ۷ آبان ماه به دنبال دعوتی
که شده بود حدود ۱۰۰ نفر در خانه
کارگر جمع شده و پس از خواندن
پیام پشتیبانی کارگران بعضی از
کارخانه ها، قرار می گذارند که ۱۴
آبان برای شنیدن گفته های نماینده
وزارت کار در خانه کارگر جمع شوند.
۱۶ آنچه در این حرکات چه در روز
مهر شورای روشنگری از بالا
درست شده اتحادیه سراسری
کارگران ایران "روز ۲۴ مهر
بد دعوت اگرومیست ها تحمیل
عنوان کارگران بیکار تهران در
مقابل وزارت کار جمع صورت
می گیرد. درک خرد بورژوازی
اسس دوستان از مبارزات
کارگری پس از بازگشایی
خانه کارگر در ۵ آبان در محاضرات
آن روز آنگار تریان می شود. این
محاضرات نشان داد که بیولتاریسم
ایران ناچه حدسارمند تشکیل و
آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک است
ولی بر خورد دوستان اگرومیست و
حباند سان طرفدار اشرف فرسنگها
از بر سر مرم بیولتاریسم ایران به
دور است اگرومیست های حط ۳
و در این آنها سکار فقط سخواست

کوشش های آنها در مذاکره با
مقامات مسئول به نتیجه نرسیده
است، به ناچار به تحمیل و
راهپیمایی دست زده اند. آنها
در اکثر موارد از یاری هواداران آگاه
با ناآگاه خویش در این اقدامات
برخورداری بوده اند. از آنجا که
آگاهی سیاسی توده کارگران بیکار
پایین بوده و انحرافات سیاسی -
ایدئولوژیک هواداران ناآگاه آنها
عمیق می باشد، ما شاهد جنبه های
منفی در کنار جنبه های مثبت از نظر
منافع پرولتری در حرکات آنها
می باشیم.
برخورد با جنبه های منفی
ضروری است به ویژه وقتی که
بعضی از حرکات مشخص آنها،
نظیر تحمیل در وزارت کار در تاریخ
۲۱ آبان ۵۸، ضربات سیاسی بزرگی
به کارگران بیکار وارد می کند. اتخاذ
سیاست درست مبارزاتی در مورد
دبیلیمه ها و کارگران بیکار لازم است
شناختن ریشه های بیکاری کارگران
و خصوصیات خود کارگران بیکار
است. به همین جهت این موارد
برای کارگران بیکار پیشرو باید
روشن باشد.
اگر توجه کنیم که کارگران بیکار
ریادی وجود دارند که محبورند که
به ماجرا زندگی خویش را نوا ما در
کار مزدوری گردن و دستفروشی و
کار وی زمین بگذرانند، اگر به اس
خصوصیات فشار شدید زندگی و
درک ضعف آنان از مسائل
سیاسی و ضرورت تشکیل راهپیمایی
متوجه خواهیم شد چگونه شرایط
ماست فراهم می شود تا حرکات
کارگران بیکار تحت تاثیر انحرافات
سیاسی - ایدئولوژیک گروه های
نظیر بیکار و متانهم و گروه اشرف
دهقانی به انحراف کشیده شود.
بر پایه جنبش رهنه ای حرکت
کارگران بیکار در ۱۴ مهر به دعوت
کارگران بیکار تهران آغاز شد.
خواست کارگران بیکار عبارت بود از
۱- احاد کار بدون سرمایه
اسرائیلی

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴ ساعت تقلیل یابد

جانبه های مبارزه کارگران به مبارزه
اقتصادی آنها به طور مشخص و به
مبارزه سیاسی آنها بطور مجز
می پردازد، خواهان تحمیل
کارگران بودند. جالب توجه است
که این دو گروه یکی با تفکر
اگرومیستی و دیگری با تفکر
آنارشیستی در این مورد به روش
مشابهی می رسند.
این گروه موفق شدند که کارگران
بیکار را در آن مقطع از مبارزه
سیاسی ضد امپریالیستی جاری
دور کرده و بیگانگی کارگران بیکار
را از سیاست بردوام تر سازند.
این زبان تنها به این خاطر نیست
که کارگران از صحنه مبارزه سیاسی
دور نگه داشته می شوند. همچنین
به خاطر این نیز می باشد که به
دبیلی توده خرده بورژوازی توده
کارگران را در این زده و در نتیجه
وحدت این متحد طبقه کارگر در
مبارزه ضد امپریالیستی را مشکل تر
می سازد. خرده بورژوازی بنا بر
ماهیت دوگانه و نوسانی خویش
و خصیله تنگ نظری اش همیشه
شرایط لازم را دارد که از مسیر
اصلی مبارزه منحرف شود. زمانی
که توده های خرده بورژوازی و
حناح سیاسی آن در حاکمیت در
مبارزه با امپریالیسم آمریکا و
بورژوازی وابسته به لیبرال ها
درگیر است و بطور طبیعی انتظار
بازی فعال و نامحدود بیولتاریسم را
در این مورد دارد، وظیفه کارگران
و نمایندگان سیاسی آنهاست که از
این مبارزه ضد امپریالیستی
حمایت کنند. زمانی که جنبش
حمایتی نمی شود بطور طبیعی
کارگران ناآگاه را متهم به امر بیکاری
بودن می کنند
توان جنبش ضد امپریالیستی
پراکنده شده و از این امر حذر
عابندگان گوناگون بورژوازی سود
نمی برند. در این انحراف هم
حاصلت طبقاتی خرده بورژوازی و
کرایش های غیر پرولتری کارگران
بیکار و هم انحراف سیاسی -
ایدئولوژیک دوستان ناآگاه
طبقه کارگر بنا بر اهمیت خویش
معصر می باشند.

هفتاد هزار کشته، صدها هزار زخمی هرگز مباد سازش، هرگز...

بقیه از صفحه ۱



خلق کرد با جنگ و دندان از وحدت سیاسی

وسازمانی خود دفاع می کند

و به همین خاطر نیز از بهیام آیت الله خمینی استقبال کرد. در این میان بعضی از اخبار از این فرصت طلب خواستند از این بهام به نفع هدف های خود بهره برداری کنند که مقاومت یکبارچه مردم کردستان و همبستگی سازمان ها و گروه های مبارز کردستان مانع این امر شد. خلق کرد در تاریخ ۶ آذرماه ۵۸ عظیم خود در تاریخ یک یار دیگر در سراسر کردستان یک یار دیگر از هیئت نمایندگی سازمان های سیاسی کردستان به رهبری حضرت سید مرادالدین حسینی پشتیبانی کرد. خلق کرد قسمتی از این گزارش آمده است. "درد بر پیشمرگان کرد که با خون خود آزادی را بر سر صخره های کوهستان های کردستان نشانند. درد بر همه رزمندگان و مبارزین راستین خلق کرد."

هموطنان!
خلق کرد در طول جنگ تحمیلی تعدادی از بهترین فرزندان خود را از دست داد. این فرزندان در بیدارگاه های قرون وسطایی و با در اثر بهاران های فانتوم ها به قتل رسیدند. در این میان بسیاری از جوانان ناگاه که فریب مرتجعین را خورده بودند کشته شدند. کسه مسئولیت خون آنها به عهده مرتجعین و خائنین است که آتش جنگ تحمیلی را در کردستان شعله ور کردند. در طول این مدت ارتجاع دست به وحشیانه ترین حملات زد و حتی به کودکان و زنان نیز رحم نکرد اما صوف فشرده خلق کرد و با پایداری آنها در برابر این هجوم، توطئه ها را نقش بر آب کرد. جمعیت کردهای مقیم مرکز در این مدت به تلاش خستگی ناپذیر و به پشتیبانی همه جانبه از خلق خود ادامه داد و در این راه از مبارزین سازمان ها و گروه های مترقی و به ویژه سازمان چریک های فدایی خلق ایران برخوردار بود.

در قسمت دیگری از این گزارش ضمن هشدار به فرصت طلبان چنین آمده است. "خلق کرد همواره برای به دست آوردن صلح عادلانه بر اساس خواست های برحق مردم کردستان ایران آماده بوده است

جمعیت کردهای مقیم مرکز روز پنجشنبه ۱۵ آذر پس از گذشت سه ماه از آخرین جلسه خود، جلسه عمومی داشتند. در این اجتماع پر شور و با رنگ و بوی خاطرات قهرمانی خلق کرد و جانبازی پیشمرگان و پاسداری سازمان های سیاسی کردستان، یاد شد و به فرصت طلبان، سیاست پیشه گان و تفرقه جوینان هشدار داده شد.

در ابتدای این مراسم سرود ملی "الله رقیب" به طسور دسته جمعی خوانده شد و سپس گزارش شورای جمعیت کردهای مقیم مرکز قرائت گردید. در قسمتی از این گزارش آمده است. "درد بر پیشمرگان کرد که با خون خود آزادی را بر سر صخره های کوهستان های کردستان نشانند. درد بر همه رزمندگان و مبارزین راستین خلق کرد."

هموطنان!
خلق کرد در طول جنگ تحمیلی تعدادی از بهترین فرزندان خود را از دست داد. این فرزندان در بیدارگاه های قرون وسطایی و با در اثر بهاران های فانتوم ها به قتل رسیدند. در این میان بسیاری از جوانان ناگاه که فریب مرتجعین را خورده بودند کشته شدند. کسه مسئولیت خون آنها به عهده مرتجعین و خائنین است که آتش جنگ تحمیلی را در کردستان شعله ور کردند. در طول این مدت ارتجاع دست به وحشیانه ترین حملات زد و حتی به کودکان و زنان نیز رحم نکرد اما صوف فشرده خلق کرد و با پایداری آنها در برابر این هجوم، توطئه ها را نقش بر آب کرد. جمعیت کردهای مقیم مرکز در این مدت به تلاش خستگی ناپذیر و به پشتیبانی همه جانبه از خلق خود ادامه داد و در این راه از مبارزین سازمان ها و گروه های مترقی و به ویژه سازمان چریک های فدایی خلق ایران برخوردار بود.

در قسمت دیگری از این گزارش ضمن هشدار به فرصت طلبان چنین آمده است. "خلق کرد همواره برای به دست آوردن صلح عادلانه بر اساس خواست های برحق مردم کردستان ایران آماده بوده است

باشد. وقتی از بسج همه جانبه نیروها علیه امپریالیسم سخن گفته می شود منظور فقط این نیست که همه را در کوچه و خیابان به راهپیمایی مشغول کنیم. منظور این است که عموم مردم در ارگان های حکومتی شرکت فعال داشته باشند تا بتوانند در همه جا راه نفوذ امپریالیسم را سد کنند. وقتی حقوق خلق ها، زنان، احزاب و گروه های سیاسی در قانون در نظر گرفته نشده است و نیازها و سلسله مراتب حکومتی از سبب تعیین می شود چگونه می توان امپریالیسم را شکست داد؟ آیا چه کنترلی برای مرکزیت وجود دارد؟ در قانون اساسی پیش از ۶۰ بار از فقها و روحانیون در رابطه با تحکیم قدرت آنها نام برده می شود. با این ترتیب با چنین قانونی حاکمیت موجود می تواند سیاست مشخص و روشنی برای اعتدالی جامعه ما و بیرون کشیدن آن از وابستگی به امپریالیسم امریکایی اتخاذ کند و به خواست روشن توده ها پاسخ مثبت بدهد؟ امپریالیسم یعنی اقتصاد وابسته، امپریالیسم یعنی قراردادهای سیاسی و نظامی با امریکایی. امپریالیسم یعنی فراهم کردن زمینهای برای جلوگیری از رشد و آگاهی توده ها. امپریالیسم یعنی این که فقط به درآمد نفت متکی باشیم. امپریالیسم یعنی استثمار بی رحمانه توده ها، این سیستم اقتصادی واجتماعی که جامعه ما را به امریکاییان وابسته می کند و اجازتی ندهد که آن را تبدیل به لانه جاسوسی خود کند اگر ناپدید شود. از در بیرون می رود و از پنجره تو می آید. سیاستی که با زور و فریب این چنین قانونی را تدوین کرده است، سنی دارد جدا از واقعیت خشن که زخم کشان آنرا با کوشش و استخوان شان لمس می کنند، در پس الفاظی مبهم و دوپهلوی، خواست روشن توده ها را مخدوش کند و با تفسیرهای گوناگون، سلطه خود را حفظ کند.

مبارزه کارگران و زخم کشان است که می تواند این سیستم اقتصادی واجتماعی را برانگیزد. با جانفشانی کردن نهادهای مردمی از قبیل شوراهای واقعی جاهای خالی و بدون حفاظ را که در معرض یورش سرمایه داران جهانی است برکنند.

اما قانون اساسی ولایت فقیه راه را بر تحکیم سلطه طبقه سرمایه داران پایگاه امپریالیسم هموار ساخته است. راستی سرنوشت قانونی که با اهداف خلق مبارز ایران مغایر است چه خواهد بود؟ بجاست آخرین شعار مردم را در راهپیمایی باشکوهی که به دعوت سازمان چریک های فدایی خلق ایران در ۴ آذرماه علیه امپریالیسم امریکا و مرکز جاسوسی آن در خیابان ها نطقین انداخته یار دیگر به حاضرین مبارز هفتاد هزار کشته، صدها هزار زخمی، هرگز مباد سازش، هرگز مباد سازش

موروثی است (هرچند که عملاً به مرحله اجرا در نخواهد آمد) در اصل های دیگری خوانیم که شرح و تفسیر قوانین و تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام و عدم تعارض آن ها با قانون اساسی همه بر عهده شورای نگهبان است. وقتی انتخاب شورای نگهبان طبق اصل نود و یکم و اصل انتخاب عالی ترین مقام قضایی کشور در بند ۲، همه به عهده فقیه باشد راستی نهادهای دموکراتیک را در کجای قانون اساسی باید جستجو کرد؟ با این شکل برای مقام رهبری هیچ حد و مرزی وجود ندارد، می تواند بد باشد می تواند خوب، می تواند دیکتاتور و استبداد باشد، می تواند ظاهر - صلاح. با مطالعه در مبحث سوم راجع به ارتش و سپاه پاسداران انقلاب، با عباراتی کلی از قبیل ارتش مردمی، مکتبی، اسلامی برخوردار می کنیم. در این جا اصلاً صحبتی از بازسازی و دگرگونی در کیفیت ارتش نمی شود. می گوید "هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی شود" خبرگان "محترم" فکرمی کنند در زمان شاه خائن، مستشاران خارجی عضو ارتش ایران بودند. وقتی خرید سلاح های وابسته منوط به تصویب آن در مجلس باشد پس ورود کارشناس هم نمی تواند احتمالی بی اساس باشد. چون بالاخره هر سلحشوری احتیاج به آموزش آن دارد. در بند ۸ ماده ۴۳ برای جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، فقط به کلی گویی پرداخته و هیچ راه عملی برای قطع سلطه انحصار از زمین المملکت را مطرح نمی سازد. در اصل ۴۴ می گوید. نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش ۱- دولتی ۲- تعاونی ۳- خصوصی نبوده است. در کجای این نظام اقتصاد وابسته به امپریالیسم نفی شده است؟ دولتی کردن صنایع بزرگ (که وابسته است) و بعد خصوصی کردن بخشی از آن، جز تقسیم سود بین سرمایه داران وابسته هیچ معنای دیگری نمی دهد. آیا توده های مردم قیام کردند تا بخشی را که در سود گیلان شریک نبودند به مال و منالشی برسانند. وقتی امپریالیسم برای حفظ وابستگی اقتصادی است که در کشورهای فقیر اعمال نفوذ می کند. چرا قانون اساسی باید به این اصلی ترین وفوری ترین شعار قیام پشت کند؟ آیا حفظ منافع جناح وابسته به امپریالیسم نیست که آنها را به چنین دوران پیشی کشانده تا هر طور که بتوانند راه نفوذ مردم را در امر حاکمیت بر سر نوشت خود سد کنند.

نمی خواهد چندان دور برویم هم اکنون در خیابان های تهران و شهرستان ها، فریاد پر قدرت مرگ بر امریکا طنین انداز است، قانون اساسی چگونه می تواند پاسخگوی چنین فریادهای صلیبی

دیکتاتوری فراهم می کند، لازم است به کارنامه نه ماهه حاکمیت سیاسی بعد از قیام که فانون اساسی نتیجه آن است نظری انداخته شود. در آغاز پیروزی بردیکتاتوری شاه، سازمان چریک های فدایی خلق ایران و سایر نیروهای ترقیخواه خواستار ایجاد ارتش خلقی و اداره امور توسط شوراهای واقعی شدند. دولت و شورای انقلاب بر سر ابثای عناصر سرکوبگر نیز با فشار می کردند. شاید آن روزها اهمیت چنین کاری برای توده ها روشن نبود. اما همین طور که زمان می گذشت و جناح وابسته به سرمایه داری جهانی امکاناتی برای عمل پیدایی کرد، عوامل فشار و سرکوب در جامعه شروع به رشد کردند و این خود کم و بیش توده را متوجه آنها کرد. از یک طرف برای جلوگیری از رشد و اتحاد کارگران نیروی ویژه سازمان دادند و قانون های ویژه به نفع کارفرما تصویب کردند و از طرف دیگر فرمان سرکوبی خلق های ایران را دادند. وقتی مردم پرچم امریکارا می سوزاندند، بعضی از وزرای کابینه بازگان در پشت پرده و آشکارا به سازش با امریکای خون آشام مشغول بودند و از واسطه حسن فی مابین سخن می گفتند. وقتی خلق ما در انتظار افشای قراردادهای ظالمانه رژیم پیشین با امپریالیسم جهانی بود، اسناد رسوا کننده در آرشیوهای وزارت خارجه محل امنی یافت و خلق هنوز که هنوز است از آن بی اطلاع است. عوامل امپریالیسم از قبیل چمران ها، آتش و خون نثار خلق کرد می کنند و مدعی هستند که شیوخ مرتجع، فرزندان بیگانه خلق را به جوخه های آتش می سپارند. به راستی حاکمیت موجود با چنین اعمالی در برابر داوری قاطع خلق چه پاسخی خواهد داشت؟ اکنون قانون اساسی حاصل چندین ماه نشست و برخاست خبرگان، در معرض قضاوت عموم است. قانونی که برای تدوین آن حاکمیت موجود به شرحی که گذشت عملاً در برابر توده های ستم دیده، ایستاد و ماهیت خود را افشا کرد. بتردید نیست هر قانونی که به این شکل تصویب شود جز چماقی علیه آزادی و دموکراسی هیچ چیز دیگری نمی تواند باشد. ما از دینظر این قانون را مورد مطالعه قرار می دهیم.

بانگاهی به یکایک اصل های این قانون پیش از هر چیز ماهیت ارتجاعی و ضد دموکراتیک آن که در نهایت در خدمت سرمایه داری قرار می گیرد به چشم می خورد. مردم جمهوری می خواستند. یعنی از حکومت استبدادی و موروثی نفرت داشتند اما با دقت در اصل ۱۵۷ دنتیجه حاصل می شود. ۱- عملاً مادام العمر بودن رهبری را تثبیت می کند. ۲- رهبری در طول تاریخ کشور در انحصار قشر روحانیت است. یعنی به نوعی در این قشر

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

گواهی کوتاه از قائم شهر (شاهی)

راهپیمائی و تحصن دهقانان قریه سید محله



کشاورزان قریه سید محله در نزدیکی کلا (از توابع قائم شهر) سالها پیش بخشی از اراضی جنگل را آباد کرده و قابل کشت و بهره برداری کرده اند. اما پس از آماده نمودن زمین یکی از مالکین با همدستی ژاندارم ها به زور سر نیزه این اراضی را از دست دهقانان به درآورد و آنان را به عنوان کارگر به بند استعمار کشید. پس از قیام بهمن ماه این کشاورزان که تصور می کردند دیگر از قید ظلم و ستم رسته اند و به امید این که دولت از آنان حمایت کند ۷۳ هکتار از این زمین ها را که در اصل به خودشان تعلق داشت زیر کشت بردند. (این مالک جمعا بالغ بر ۲۰۰ هکتار زمین دارد) فرماندار وقت نیز زیر فشار دهقانان مجبور شد این عمل را تأیید نماید. ولی به هنگام برداشت محصول توسط کشاورزان سرولگه رئیس پاسگاه پیداشد. او می گفت:

"به موجب حکمی که مالک از کمیسیون ۵ نفره دارادین زمین به او تعلق دارد." (کمیسیون ۵ نفره بعد از قیام که به اصطلاح برای حل مشکلات زمین ایجاد شد و هر چه از زمان قیام می گذرد ماهیت ضد مردمی آن نمایان می شود) نمایندگان کشاورزان به اداره کشاورزی رفتند و از کمیسیون ۵ نفره در این مورد توضیح خواستند. کمیسیون ۵ نفره که قبلا از طرف کشاورزان سایر دهات اطراف تهدید شده بود

و می ترسید مبادا این بار هم این موضوع باعث اعتراضات شدید بخود، (تا قبل از این موضوع چندین بار دهقانان اطراف کلا به اعتراضات در شهر تظاهرات کرده بودند) حکم را پس گرفت. ولی وقتی کشاورزان مجدداً برای برداشت محصول سزمین های خود رفتند دوباره رئیس پاسگاه آمد و برداشت محصول جلوگیری کرد. کشاورزان از این عمل خشمگین شده و روز بعد به شهر رفته و به کمیسیون ۵ نفره مراجعه می کنند. در کمیسیون حاجی باقری عضو مهم آن که خود از سرمایه داران شهر است به کمک یکی از روحانیون مرتجع به آنها می گویند که اگر با مالک سازش نکنید نصف محصول را به او ندهید، با پاسداران و سرنیزه و ۳ مواجه هستید. کشاورزان که از مراجعات خود نتیجه ای

نگرفته بودند روز پنجشنبه صبح در شهر به راهپیمائی پرداختند و در جلوی فرمانداری متحصن شدند. در طول راه پیمائی شعارهایی از قبیل:

"درود بر کارگر، متحد بزرگ مالک نابود است، دهقان پیروز است، ترک برهقاری، حامی مالکان، ترک بر سرمایه دار، درود بر کارگر، می دادند، در این مدت فرماندار و سایر مقامات از صحبت کردن با دهقانان خودداری کردند و حاجی باقری بلافاصله پس از فهمیدن مسئله راهپیمائی اعلام استعفا کرد. دهقانان که از راهپیمائی و تحصن خود نیز سودی نبردند تنها چاره را در این دیدند که به قریه برگردند و به زور هم که شده محصول را برداشت کنند و این تصمیم با همه حاضرین در تحصن در میان گذاشته شد و مورد تأیید هم قرار گرفت.

امیربالیست ها و مسائل شرکت حفاری سنتافه را بغارت بردند

در تاریخ ۱۸ مهر شرکت نفت به نمایندگی دولت ایران به کمراک بندر خرمشهر و بوشهر اعلام کرد که امیربالیست ها اجازه دارند دکل ها و وسایل حفاری شرکت ملی شده بیفاری سنتافه را خارج کنند و در یادارمدنی استان خوزستان نیز از تمام نیروهای نظامی و انتظامی از کمیته تألیف سراسر راه و ژاندارمری خواست در طول راه از وسایل غارت شده ملت ایران مواظبت کنند تا امیربالیست ها به راحتی غارتگری خود را به پایان برسانند. در حال حاضر سرما به ازان خارجی در امنیت کامل در حال خروج این وسایل هستند. این عمل ضد کارگری، ضد انقلابی دولت، شرکت نفت، مدنی خائن و کمیته ها که همه در خدمت

امیربالیست فرار گرفته اند، به خوبی ماهیت آنها را نشان می دهد. کارگران و زحمتکشان ایران مبارزه کردند تا اموال ملت را که امیربالیست ها و وابستگان آنها تصاحب کرده بودند بازستانند ولی دولت ایران که ادعای ملی شدن را دارد به امیربالیست ها اجازه می دهد تا اموال ما را به غارت برند.

نقل از خبرنامه شرکت های حفاری - شماره ۲، ۱۴ آبان ۵۸

لازم به توضیح است که شرکت های حفاری از دو ماه پیش به تدریج توسط کارگران ملی اعلام شده است. شرکت سنتافه نیز جزو همین شرکتهاست.

شرکت ملی نفت ایران

شماره: ۵۵۱۲۱۰۱۱۱
تلف: ۱۸۰۵۳۵۳۰

مدیرکل کمراک بندر بوشهر

دس های حفاری شماره ۱۹ و ۲۱ شرکت حفاری سنتافه از رشتال که تحت قرارداد شماره ۳۳۹-۳۳۹-۳۳۹ در استخدام شرکت ملی نفت ایران است. در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۵۸ قرارداد طرف شرکت نفت فسخ گردید و این دو شرکت را برای این کار ۱۵ ایرانی و ۱۰ خارجی به کار گرفته شد. در این قرارداد شرکت ملی نفت ایران و برای انجام امور حفاری شرکت سنتافه استخدام گردید.

باتوجه به ادعای وزارت استانی که از سوی بهیشتار عمل جرمه اعلام کرده که خروج وسایل حفاری از ازان راه شرکت ملی نفت ایران بوده، هرگز به نقل در انجام این امر باطل بود و این عمل باطل است برای این شرکت و با تشتمع برای دولت خواهد شد.

سرویس کل مطبوعاتی - شرکت ملی نفت ایران

اسناد آزادی خوزستان

فرمانداری آبادان
فرماندهی ناحیه هکت زاندری خوزستان

براساس گزارش شماره ۵۱۳۳/۳۰۵۱۳۳/۵۸/۳۰۵۱۳۳ مورخ ۱۳۵۸/۷/۱۸ اداره روابط مطابقت فکری - شرکت ملی نفت ایران - چون قرارداد شرکت حفاری سنتافه با شرکت ملی نفت ایران منتهی به فسخ گردید و این شرکت را برای این کار ۱۵ ایرانی و ۱۰ خارجی به کار گرفته شد. در این قرارداد شرکت ملی نفت ایران و برای انجام امور حفاری شرکت سنتافه استخدام گردید.

محمد مدان لاسی
معاون امور اجتماعی

گرددگان روشت:

- ۱- اسناد آزادی بوشهر جهت استناد و ابعاد تسهیلات در امر خروج و کلیه
- ۲- شرکت ملی نفت ایران - اداره روابط - مناطق نفت خیز جهت آگاهی و اجراء
- ۳- شرکت حفاری سنتافه جهت اطلاع از انتال و کلیه به بنادر
- ۴- دفتر امور اجتماعی جهت اطلاع
- ۵- پاسگاه و ژاندارمری جهت اطلاع

چرا کشاورزان ما باید وام آریامهری اصلاحات ارضی را بپردازند

سنگین و روزافزون کمرشان بیشتر خم می شود امروز که شانزده سال راپشت سرگذاشته اند، هنوز سایر این وام های پایان ناپذیر هستند.

اما نکته ای که اکنون پس از سرنگونی رژیم منغوری پهلوی وجود دارد، انقای این روابط و تحمت فشار گذاردن کشاورزان در برداشت بدهی های ماهیانه شان است. دهقانان زحمتکش ما که همراه با سایر اقشار برای نابودی رژیم سرسپرده پهلوی با تمام روابط استثمار گرانه و ظالمانه اش به پا خاسته و مبارزه کردند، انتظار داشتند که پس از پیروزی راندن شاه با یک اصلاحات ارضی واقعی روبرو شوند. زمینی که روی آن کسار می کنند، بدون هیچ چشمداشتی مال خودشان باشد، اما در عوض رژیم جدید به آنها چه داده است؟ آقای قیومی نیا سرپرست کل بانک کشاورزی استان کرمان در مصاحبه ای با خبرنگاری بار بار اظهار کرد که:

"آن عده از کشاورزان که تاکنون بدهی قبوض اصلاحات ارضی گذشته را نپرداخته اند، از بهره دبرگرد معافند فقط باید اصل مبلغ وام را بپردازند و بدهی کشاورزان که در اثر سرمازدگی به

۱۶ سال قبل، رژیم سرسپرده پهلوی، برای جایگزین کردن هر چه بیشتر روابط سرمایه داری وابسته به جای روابط فئودالی که هنوز در بسیاری مناطق کشور حاکم بود، به اصلاحات ارضی شاهانه که تنها به نفع امیربالیست و سرمایه داران وابسته بود، مبادرت نمود و در ضمن با تبلیغات برسرو صدا، خود را حامی دهقانان زحمتکش و دشمن سرخست فئودال ها و انموذ کرد. اما هنوز بدهی نگذشته بود که کشاورزان بی زمین که در اثر این اصلاحات کذایی در بعضی نقاط کشور صاحب قطعه زمینی کوچکی شده بودند به ماهیت واقعی این اقدام پیی بردند چرا که از جنگ زمین داران بزرگ، این دشمنان آشکار خود به درآمده به دام بانک های نرولخواه، دشمن مودی و خطرناک دیگری افتادند با این تفاوت که چهره این دشمن، مثل قبل، آشکار نبود. فقط ماه به ماه، شییره جاشان به وسیله این زالو صفتان مکیده می شد و پایی هم نداشت برخلاف آنچه که تصور می کردند با نابودی فئودال ها و گرفتن یک قطعه زمین که مال خودشان بود به تنها و دشمنان سبودی نیافت بلکه روز به روز زیر فشار هزینه های

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

کارگران با اتحاد خود نقشه های کارفرما را نقش بر آب کردند

بندهای سیاه در بندرانزلی باحتیاط پاسداران مردم مبارز را می ربایند و بقتل می رسانند

پس از حمله پاسداران انقلاب اسلامی به صنادان و مردم زحمتکش انزلی، وشهادت عده زیادی از مردم این شهر به دنبال مبارزات قهرمانانه مردم انزلی، عده های از عناصر معلوم الحال با حمایت پاسداران به شیوه های جنایتکارانه ای متوسل شده و به قصد ارباب و سرکوبی مردم مبارز انزلی، به جنایات آشکاری دست می زنند... این عناصر مزدور مردم مبارز را مخفیانه دستگیر می کنند و به قتل می رسانند. نخستین اقدام وحشیانه آنها این بود که به صورت یکی از افراد پرسنل نیروی دریایی که در جریان تظاهرات خیابانی جانب مردم گرفته بود اسید پاشیدند و در ۲۷ آبان ماه پلاژیاری را شبانه از خانه اش ربودند و به جمع ترین وضعی به قتل رسانیدند.

جنایتکاران که با جوراب صورت خود را پوشانده بودند با توشیح شماره ۹۸۶۹۵ نیروی دریایی نیمه های شب مذکور، به قصد کشتن افسر عاشورلو به ساحل انزلی رفتند. جنایتکاران با استفاده از تازیکی شب در حدود ساعت ۱۱/۵ به مقر دوستانش حمله کردند و بعد از ضرب و شتم افراد موجود افسر را باخود بردند و تهدید کردند که اگر از واقعه به کسی حرفی زده شود همه افراد حاضر کشته خواهند شد.

خانواده و دوستان افسر با وجود تلاش های بی نهایت کمترین نشانی از افسر نمی یافتند. بالاخره در روز جمعه ۲ آذرماه خبر قتل فجیع افسر دوشهری بهیچد فالانژها بعد از بودن افسر ۵ گلوله به او زده و برای آن که جسد شناخته نشود صورتش را ملامتی کرده آنرا در رودبار رها کرده بودند... پس از پیدا شدن جسد توسط مأموران ژاندارمری به دستور مراکز قدرت پزشکی قانونی جواز دفن صادر کرده مخفیانه جسد را دروشت به خاک می سپارند... در تاریخ ۳ آذرماه افرادی که از انزلی به رشت رفته بودند موفق به یافتن قبر شده بعد از نبش قبر جنازه را به بندرانزلی منتقل می کنند. این روز مصادف بود با مراسم چهارمین روز شهیدان و زحمتکشان رزمندگان ای که در واقعه دوشنبه ۲۳ مهرماه به دست پاسداران شهید شدند. مردم مبارز و زحمتکش انزلی که در این روز با صفوفی یکپارچه و متحد در خیابان های شهر جمع شده بودند ضمن ادای احترام به شهیدای مبارزان با توفانی از خشم و نفر علیّه فالانژهای جنایتکار و حامیان آنها در شهر شعاری دادند و با مشت های گره کرده عزم راسخ خود را در صورت ادامه انقلاب و مبارزه با جنایتکاران نشان دادند.

بین کارگران قدیمی و جدیدی گرفته تا مبارزه آشکار علیه کارگران آگاه و استفاده از پاسداران و اعمال فشار مستقیم و سرکوبگرانه ایجاد اختلاف بین کارگران و کارمندی که از آنان پشتیبانی می کنند، سود می جوید و حتی توطئه تعطیل کارخانه برای مدت ناچهار ماه پیش می کشد. در پشت تمام اقدامات کارفرما از وزارت گرفته تا پاسداران کمیته صنفی امام، عملاً اقدامات ضد کارگری کارفرما حمایت می کنند و بنا بر ماهیت طبقاتی آنها انتظار غیر از حمایتشان از سرمایه داران نمی تواند وجود داشته باشد. بنامیه شورای انقلاب اسلامی هم منبری بر منوعیت هرگونه اعتصاب و تحمّل و اعتراض کارگران چیزی جز حمایت آشکار از سرمایه داران نیست. آنها همین نمونه مشخص به ما نشان نمی دهد که اگر کارگران می خواستند بنا بر بنامیه شورای اعتراض خود دست بکشند می بایست تسلیم بیگاری می شدند و زورگویی آشکار سرمایه دار را می پذیرفتند؟

در حالی که کارگران با درک عمیق اجتماعی خویش درست در حالی که سرمایه دار صاحب کارخانه تلاش خویش را برای تعطیل کارخانه ادامه می دهد آنها اعلام می کنند که به دلیل تحریم داروهای آمریکائی، فاجعه زلزله خراسان و نیاز مردم در این فصل به دارو حاضرند به کنار بپردازند و در این رابطه پیشنهاد ملی کردن کارخانه را به وزارت صنایع و معادن می دهند تا چرخ تولید را به راه اندازند.

آنها اقدام نکردن این وزارتخانه و سنگ اندازی بقیه مقامات به منظور جلوگیری از ملی شدن کارخانه جز مهربانانه تأیید و حمایت آشکار از منابع سرمایه داران است؟

ضرورت ایجاد تشکیلات واقعی کارگری در عمل در این حرکت مشخص بر کارگران این کارخانه روشن گشته است. اینک بایستی با استفاده از این تجربه آگاهانه بگویند با حفظ تشکیلات ارتقا بخشیدن به آگاهی همکاران خود زمینه را برای وحدت سراسری کارگران فراهم نمایند... امر ملی شدن واقعی کارخانجات هم نمی تواند صورت واقعی به خود گیرد مگر کنترل تولید و توزیع در اختیار شورای کارگران قرار گیرد و جنبش شورای باید در ارتباط با شورای واقعی و اقدام دیگر کارخانجات امر تولید را پیش برند تا دست سرمایه داران وابسته را کوتاه کنند. کارگران که تنها نیروی پیگیر در مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داران هستند فقط در صورتی خواهند توانست این مبارزه را به نتیجه برسانند که تشکیلات مستقل خود را داشته و از طریق سازمان سیاسی خاص خویش (حزب طبقه کارگر) هدایت شوند.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

اختناق امیر کارخانه از بسد و تاسیس و افشای اقدامات ضد کارگری کارفرما و عواملش می پردازد و به عنوان مثال مطرح می کند که دسیسه چینی برای اخراج هشت کارگر از مدت قبل توسط "مقدم" سرپرست یکی از انبارها "نماینده سندیکای فرمایشی" دنبال می شد و او را خراجشان با فشاری می کرده کارگران که به نیرنگ های کارگران کوناگون کارفرما می برده اند با حمایت خود مانع اخراج کارمندان می کردند و به این ترتیب تشکیلات و همبستگی کارگران منجر به پیروزی آنان و شکست کارفرما در این حرکت می شود. در بررسی حرکت کارگران این کارخانه می بینیم که هنوز سندیکای فرمایشی که عملاً عاملو آلت دست کارفرما است تنها تشکیلات موجود در کارخانه است و کارگران قبل از این نتوانسته اند تشکیلاتی که به واقع کارگری باشد و بتواند با دفاع از منافع و خواست های کارگران بسازد خودسری های کارفرما را کم کند. به وجود آوردن چنین تشکیلاتی و در صورت نبودن چنین تشکیلاتی است که سرمایه دار صاحب کارخانه به خود اجازه می دهد تا حد اخراج ۱۰۰ نفر از کارگران پیش رود و با اتکا به حمایت وزارتخانه ها و بقیه دستگاه های مسئول و نفوذش در سندیکای قلابی کارخانه تا حد تعطیل کارخانه و بی کار کردن تمامی کارگران به دسیسه چینی علیه کارگران برخیزد. از سوی دیگر می بینیم که کارگران با تشکیلات خود انگیخته ای که در جریان حرکت به وجود آمده است از تمامی راه های قانونی (از مراجع وزارت کار، کمیته صنفی امام...) برای گرفتن حقوق طبیعی خود (حق کار اقسام) می کنند. ولی کارگران مشاهده می کنند که تمامی این دستگاه ها به اشکال گوناگون به حمایت مستقیم و غیر مستقیم از کارفرما بر می خیزند (طبیعی است که این دستگاه های اداری بنا بر ماهیت طبقاتی خویش بایند حافظ منافع سرمایه داران باشند) در این مرحله است که کارگران به اقدام جدی و به اتکا به نیروی اتحاد خود تصمیم می گیرند به شیوه ای دیگر عمل کنند و در کارخانه متحصن شوند و می بینیم که کارفرما و حامیان او مجبور می شوند در مقابل اتحاد یکپارچه کارگران تسلیم شوند.

در اینجا تشکیلات خود انگیخته کارگران در صورتی خواهد توانست موفقیت های خود را تثبیت کند و به موفقیت های دیگر برسد که بتواند به یک تشکیلات آگاهانه تبدیل شود و باید در ارتباط با تشکیلات واقعی کارگری دیگر کارخانجات مشابه قرار گیرد تا بتواند به اهرمی واقعی در مقابل سرمایه داران تبدیل شود. از سوی دیگر توطئه چینی کارفرما را می بینیم که در اشکال مختلف صورت می گیرد و هدف اصلی آن جلوگیری از اتحاد و همبستگی کارگران است. از تفرقه اندازی

کارخانه تعیین کند تا کارگران به سرکار خویش بازگشته و به تولید بپردازند. در این شرایط عده ای از کارمندان و سرپرست ها هم از خواست ملی شدن کارخانه حمایت می کنند. مقامات مسئول عملاً کارگران را سر می دوانند و کارگران تصمیم می گیرند تا رسیدن به خواست هایشان در کارخانه متحصن شوند و با این قصد به سوی کارخانه می روند. اما با مقاومت پاسدارانی که از چند روز قبل در آنجا مستقر شده بودند مواجه می شوند و پاسداران به کارگران می گویند بایستی صبر کنیم، مسائل را با تمام مقامات مسئول در میان گذاریم. علاوه بر دلیل تحمّل ما بازگشت به کار و ادامه تولید است.

پاسداران که سعی داشتند با تیراندازی هوایی کارگران را متفرق کنند در مقابل سرخشی کارگران ناچار به تسلیم می شوند و کارگران موفق می شوند به درون کارخانه رفته و آنجا متحصن کنند روز بعد نماینده وزارت صنایع و معادن به کارخانه می آید و می گوید مسئله ملی کردن کارخانه دو مرحله دارد. در مرحله اول وزارت کار بایستی علنیست اخراج را توضیح داده و گزارش کند. (معلوم نیست ملی کردن چه ربطی به علت اخراج دارد) و با دادن قول مساعد از کارگران می خواهد که کارخانه را ترک کنند. کارگران با گرفتن قول مساعد موقتاً کارخانه را ترک نمی کنند. در ضمن کارفرما و عواملش علت اخراج هشت نفر را (که در همان زمان به علنیست بافتاری کارگران به پنج نفر کاهش یافته است) آگاهی آنان ذکر کرده می گویند ما کارگر آگاه نمی خواهیم. اینها حرف بزن های شاه هستند. و علاوه بر این از این کارگران به دادسرای انقلاب اسلامی شکایت می کنند؟

دادسرای انقلاب اسلامی هم می گوید روز سه شنبه ۲۹ آبان ماه در مجمعی از کارگران در وزارت صنایع و معادن به شکایت کارفرما رسیدگی خواهد شد. کارگران تصمیم می گیرند با توجه به نیازی که در فصل زمستان به دارو در جامعه وجود دارد همچنین مسئله تحریم داروهای آمریکائی و احتیاج مناطق زلزله زده خراسان به دارو روز شنبه به سر کار خود باز گردند. در ضمن تصمیم می گیرند در صورت اخراج همکارانشان که بدون دلیل صورت گرفته، مجدداً به اعتصاب دست بزنند. روز یکشنبه ۲ آذرماه جلسه تشکیل می شود و به علت تصمیم کارگران و پشتیبانی قاطعی آنان از کارگران اخراجی دادگاه به رفع اتهام از کارگران رای می دهد. آنها نیز به سر کار خود بازمی گردند. کارفرما پس از شکست خود، در مقابل مبارزه قاطعانه کارگران تلاش می کند چند تن از کارمندان را که از ملی شدن کارخانه حمایت کرده اند، اخراج کند، یکی از کارمندان در جلسه ای که با حضور کارگران تشکیل می شود به توضیح شرایط

کارفرمای کارخانه دکتر عبیدی که یک کارخانه داروسازی است اعلام کرده بود که به علت کاهش تولید احتیاجی به کارگران جدیدی که بعد از ۱۵ مرداد استخدام شده اند، ندارد. بعد از این اعلام کارگران جدید را به کارخانه راه نمی دهند و حتی عده ای از کارگران قدیمی هم که از ورودشان به کارخانه جلوگیری می شود. مجموع کسانی که از ورودشان به کارخانه جلوگیری شد، حدود ۱۰۰ نفر بودند. این اخراج در وضعیت صورت می گیرد که کارگران خواهان انحلال سندیکای فرمایشی و ایجاد شورای واقعی در کارخانه هستند. بدین ترتیب کارگران تصمیم می گیرند صبح روز چهارشنبه ۸ آبان ۵۸ همگی جلوی کارخانه جمع شوند و تصمیم قطعی بگیرند. در این تجمع کارگران پس از بحث و گفتگو به این نتیجه می رسند که چند نماینده انتخاب کنند تا با مراجعه به مقامات و موسسات مسئول به خواست هایشان رسیدگی شود. در ضمن تصمیم گرفته می شود در صورت عدم پاسخگویی از طرف مقامات تا رسیدگی قطعی و تعیین تکلیف کارگران اخراجی در کارخانه متحصن شوند. نمایندگان کارگران به وزارت کار، وزارت بهداشتی، کانون شوراهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی و کمیته های صنفی امام مراجعه می کنند و با نمایندگان این موسسات به میان کارگران می آیند و با نمایندگان کارگران مذاکره می کنند. در وزارت کار به آنها اعلام می شود که طبق ماده ۳۳ کارفرما حق دارد کارگران را اخراج کند کمیته صنفی امام هم پس از جلساتی با کارفرما پاسخ مشخصی به کارگران نمی دهد. کارفرما که با مقاومت و همبستگی جسیدی کارگران مواجه می شود حرف اول خود را پس می گوید و می گوید فقط ۸ نفر را اخراج کرده است و بقیه می توانند به سرکار خود برگردند. ولی کارگران که ضرورت همبستگی را دریافته اند این پیشنهاد مزورانه کارفرما را نمی پذیرند. آنها قاطعانه اعلام می دارند تا بازگشت تمامی کارگران به کار به مبارزه خویش ادامه خواهند داد. آنها می گویند این ۸ نفر همواره مدافع واقعی ما بوده اند. ماهه مشکل یک تن واحد هستیم. هر یک از ما قسمتی از این تن است. این ۸ نفر مثل چشم های یک تن هستند. اگر این ۸ نفر نباشند مثل این که این بدن کور است. ما تن مریضی نمی خواهیم. ما با هم سالمیم و بی هم میبوییم. به این ترتیب پاسخ تفرقه اندازی کارفرما را می دهند. در این موقع کارفرما کارخانه را تا مدت نامعلوم تعطیل اعلام می کند. کارگران که وضع را چنین می بینند از طریق نمایندگانشان به وزاران صنایع و معادن وزارت بهداشتی مراجعه می کنند و پیشنهاد می کنند که کارخانه ملی اعلام شود و وزارت صنایع و معادن مدیری برای



پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به سازمان دانشجویان پیشگام به مناسبت

۱۶ آذر روز دانشجویان

راه سرخ ۱۶ آذر

در تاریخ مبارزات خونین جنبش دانشجویی میهن ما سرکوب خونین ۱۶ آذر ۳۲ یکی از آن صفحات سرخی است که هرگز از خاطره توده‌های قهرمانان ایران فراموش نخواهد شد. هنوز چند ماهی از کودتای آمریکا ۲۸ مرداد و سرکوب خونین جنبش ضدامپریالیستی خلق‌های ایران نگذشته بود که نیکسون معاون آیزنهاور رئیس جمهوری آمریکا سرمستاز شکست جنبش و واژگونی حکومت مصدق برای حمایت از رژیم که تا همین منافع انحصارات جهانی و شرکای داخلی آنان را برعهده داشت، روانه ایران شد. مهم‌ترین ما موریت نیکسون در این سفر این بود که با فراهم آوردن زمینه برای انعقاد قرارداد کسرسوم، دستاوردهای مبارزات مردم ایران را در راه ملی کردن صنعت نفت پایمال سازد. رژیم که هنوز با همه‌ای خود را تحکیم نیافته می‌دید و به خصوص از گسترش جنبش دانشجویی و تأثیر آن بر جنبش توده‌ای به شدت هراس داشت، در آستانه ورود نیکسون به دستور کار شناسان و مشاوران آمریکائی و انگلیسی و به منظور ایجاد فضای زعب و اختناق در کمال قساوت و بی‌رحمی به دانشگاه پورش برد و شرعیت رضوی، بزرگنیا و قندچی را در صحنه دانشگاه به شهادت رساند.

خون کومنیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی در صحنه دانشگاه به هم آمیخت و یاد پیکران واقعیت که در مبارزه با امپریالیسم دیگر نیروهای خلق متحد کومنیست‌ها هستند، به اثبات رسید.

اما این سرکوب خونین نیز مثل بسیاری از سرکوب‌های دیگر، تجربه مبارزاتی خلق ما را غنی تر ساخت و جنبش دانشجویی از آن به مناسبت سلاخی موثر علیه امپریالیسم و شرکایش بهره گرفت.

در سالانی که سایه شوم و خفقان بار رژیم شاه بر تمام پهنه ایران گرد مرگ می‌پاشید، در روزهایی که عوامل سیا و ساواک با هزاران تهدید و جنایت از جمیع دانشجویان، از پیوند دانشجویان با جنبش توده‌ای و بطور کلی از هر حرکت دانشجویی جلوگیری می‌کردند، در سال‌هایی که گماندها و واچتر بازان ارتش ضد خلقی و نیروهای گارد مزدور و موحشانه‌ترین شکل ممکن به اجتماعات دانشجویی و دانشکده‌ها پورش می‌بردند و نیروی جنبشی خود را به کار می‌گرفتند تا نگذارند صدای دانشجویان روزمنده و ترقی خواه که فریاد خلق ایران بود و همنسازان حصارهای دانشگاه فراتر رود و به گوش مسرمد برسد، در سال‌هایی که در خمیان رژیم هر صدای حق طلبانه‌ای را در گلو خفه می‌کردند... سالگردهای سرکوب خونین شانزده آذر ۳۲، معادگاه دانشجویان روزمنده و دیگر روزندگان خلق شد و از این معادگاه بود که فریاد دانشجویان به انعکاس فریاد حق طلبانه خلقی ستم دیده، پرده‌ها و دیوارهای حقارت بارسکون و سکوت را می‌شکست و همه را نجبران و آزادی خواهان را به اتحاد، مبارزه، پیروزی فرامی خواند.

پس از تجربه خونین شانزده آذر، جنبش دانشجویی غنی تر و پربارتر از گذشته به حرکت خود ادامه داد و در خفقان بارترین روزهای سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته نیز از حرکت باز نایستاد و در پی هر سرکوب، مصمم تر و آگاه تر از پیش، پرچم سرخ مبارزه را برافراشته داشت و فدائیکارترین و روزمنده ترین پیشاهنگان جنبش رهائی بخش را در دل خود پرورش داد و به میدان مبارزه فرستاد. جنبش دانشجویی هر چند در سال‌های سیاه خفقان، مراحل رشد را به سرعت نپیمود اما در مراحل از رشد خود توانست حصار دانشگاه را فروریزد و با جنبش توده‌ای پیوند باید و مبارزه را به خیابان‌ها، محله‌ها و حتی کارخانه‌ها کشاند.

همراه با رشد جنبش توده‌ای، جنبش دانشجویی پیوسته ابداً دستگیره تری به خود گرفت و پایه کارگرفتن اشکال نوین مبارزه، پیوند خود را با جنبش توده‌ای عمیق بخشید، دانشگاه‌ها به سنگ‌های مقدم مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک بدل شدند و بسیاری از دیوارهای میان جنبش دانشجویی و جنبش توده‌ای فروریخت.

در مبارزات قهرمانانه سال‌های اخیر که به قیام شکوهمند بهمن ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید، جنبش دانشجویی با شرکت فعال و همه جانبه در مبارزات ضد

امپریالیستی و دمکراتیک عمق و اعتلا یافت و در تعمیق و اعتلای جنبش توده‌ای نقشی موثر بازی کرد.

سازمان سیاسی طبقه کارگر

جنبش توده‌ای و وظایف سازمان دانشجویی

امروز که خلق ما پس از سال‌ها مبارزه خونین و حماسه آفرین دورتازهای از مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک خود را آغاز کرده است، امروز که با عباد مبارزات طبقه کارگر و توده‌های میلیونی ایران و جهان پایه‌های اقتصدار امپریالیسم جهانی را به لرزه در آورده است، طبقه سرمایه دار ایران تحت حمایت امپریالیسم آمریکا، همه تلاش‌های خود را برای شکست مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهن ما به کار گرفته است.

سیاستمداران مدافع سرمایه داری انحصاری در چهره‌های ناشناخته و مردم فریب به صحنه فرستاده می‌شوند. لیبوال‌ها با استفاده از هر فرصتی مودیان به قدرت می‌خیزند و هر دوی اینان تحت حمایت امپریالیسم و با بهره‌گیری از ضعف‌های تاریخی و تمایلات ضد کومنیستی روحانیت کسه مشخما گزایشی ارتجاعی است، سرکوب و شکست جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهن ما را آوارگی می‌بینند در این شرایط جنبش دانشجویی ایران با ری بسیار عظیم تر و سنگین تر از گذشته به دوش می‌کشد و از همین رو است که وظایف آن بسی دشوارتر از گذشته است. از این رو حرکات و جهت‌گیری‌های درست جنبش دانشجویی و اشکال مبارزه آن بیش از پیش اهمیت یافته است.

جنبش دانشجویی که بخش رشد یافته‌ای از جنبش توده‌ای است، باید در پیوند تنگ تنگ با کل جنبش باشد و متناسب با فرازونشیب جنبش توده‌ای گام بردارد.

سازمان‌های دانشجویی وابسته به سازمان سیاسی طبقه کارگر باید با سازمان‌دهی و تشکل جنبش توده‌ای دانشجویی این جنبش را تحت رهبری سازمان سیاسی طبقه کارگر در آورند و از این طریق به توبه خود نقش وسیع خویش را در تائید رهبری طبقه کارگر در سطح جنبش رهائی بخش و دمکراتیک خلق‌های ایران ایفا نمایند. این وظیفه عمده سازمان دانشجویی وابسته به طبقه کارگر است.

تنها تشکل جنبش دانشجویی و پیوند عمیق آن با جنبش توده‌ای است که می‌تواند مبارزات دانشجویی را از چهار دیواری دانشگاه به پهنه جنبش بکشاند، میان کارخانه و دانشگاه، روستا و دانشگاه، سربازخانه و دانشگاه، مدرسه و دانشگاه و بطور کلی جنبش توده‌ای و جنبش دانشجویی رابطه عمیق و ارگانیک برقرار کند و در ارتقاء آگاهی سیاسی توده‌ها موثر افتد.

سازمان توده‌ای جنبش دانشجویی دانشکده‌ای است که در جریان مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خود آگاهی‌های سیاسی، روحیه مبارزاتی و قدرت سازمان‌دهی جنبش دانشجویی را افزایش می‌دهد. این سازمان همانند سازمان توده‌ای دیگر، نه تنها مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک را به پیش می‌راند، بلکه دانشکده‌ها را هسته برای رشد دانشجویانی که در آینده به سازمان سیاسی طبقه کارگر می‌پیوندند، سازمان توده‌ای جنبش دانشجویی همگام با پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک و حضور فعال در صحنه‌های سیاسی جنبش، عناصر کم تجربه‌ای را که بتازگی به صفوف جنبش دانشجویی پیوسته‌اند، سازمان و پیروش می‌دهد. به همین دلیل این گونه سازمان‌های توده‌ای باید حتی الامکان در برگیرنده همه دانشجویان ترقی خست و دمکرات بود و استعداد‌های صیقل ناپافته را صیقل دهند و گرایش‌های دمکراتیک را تقویت کنند و ارتقاء دهند.

در شرایط کنونی که مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها اعتلای تازه‌ای یافته است، سازمان‌های توده‌ای دانشجویی باید با حضور هر چه فعال‌تر در مبارزات سیاسی و شرکت همه جانبه در مبارزات توده‌ها در تعمیق و گسترش ابعاد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران بکوشند.

سازمان‌های توده‌ای باید به دور از هرگونه تنگ نظری پیوسته به منافع جنبش توده‌ای بپندیشند و در جهت اهداف جنبش

توده‌ای حرکت کنند. از همین رو است که در شرایط فعلی باید عمده نیروی خود را در جهت مبارزه با دشمن اصلی خلق، یعنی امپریالیسم آمریکا و پایه‌های داخلی آن یعنی طبقه سرمایه دار ایران سمت دهند. در این راه همکاری نیروهای مترقی مذهبی با کومنیست‌ها که به تقویت گرایش‌های ترقی خواهانه و تضعیف گرایش‌های ارتجاعی بیانجامد، به سود جنبش تمام خواهد شد.

مایکبار دیگر اعلام می‌کنیم که قضاوت درست و برخورد واقع بینانه با نیروها و جریان‌های سیاسی موجود در سطح جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک، نقش مهمی در تقویت زمینه‌های وحدت عمل آنان ایفا می‌کند.

دانشگاه سنگر مبارزه

ضدامپریالیستی و دمکراتیک

دانشجویان روزمنده پیشگام! دانشگاه باید همچنان سنگر مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و نوکرانش باشد. جنبش دانشجویی باید همه توان خود را برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار ایران که با هزاران رشته با امپریالیسم پیوند دارد، بکار گیرد. جنبش دانشجویی می‌باید در راستای اینجگام تشکلاتی و دست‌یابی به وحدت و موجودیت متشکل سراسری بطور بی‌گرویش کند.

در اوضاع و احوال کنونی سازمان دانشجویان پیشگام بنا بر وظایف پراهمیتی که به عهده دارد، باید به منظور مقابله با تهدیدات امپریالیسم آمریکا، دانشجویان را در پیشبرد وظایف عاجل زیر هدايت کند:

۱- با برگزاری نمايشگاه‌ها و سخنرانی‌ها و افشا جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران و سراسر جهان، بکوشند درک روشنی از امپریالیسم به مردم ارائه دهند. این نمايشگاه‌ها و سخنرانی‌ها را در هر کجا که می‌توانند تشکيل امکان‌آ ماده کنند. آنها هم چنین باید با خدمت گرفتن از امکانات موجود به یادگان‌ها و سربازخانه‌ها مراجعه نمایند و روش‌های کاربرد سلاح را عملاً فراگیرند و فنون نظامی را بیاموزند.

۲- دانشجویان را راهنمایی کنند که با استفاده از تجربیات نظامی سازمان‌های انقلابی و مطالبه هرگونه آشار تشویرک در این زمینه، در ارتقاء دانش نظامی خود بکوشند. و خود را برای مقابله با هر پورش نظامی احتمالی امپریالیسم آمریکا آماده کنند. آنها هم چنین باید با خدمت گرفتن از امکانات موجود به یادگان‌ها و سربازخانه‌ها مراجعه نمایند و روش‌های کاربرد سلاح را عملاً فراگیرند و فنون نظامی را بیاموزند.

۳- در جنبش‌های اعتراضی توده‌ای شرکت کنند و دامنه توده‌ای شعارها را گسترش دهند.

۴- معتقد داریم تنها با شرکت فعال در مبارزه ضدامپریالیستی و دمکراتیک است که سازمان‌های توده‌ای وابسته به جنبش کومنیستی می‌توانند با گرایش‌های ارتجاعی مبارزه کنند و گرایش‌ها و نهاد‌های دمکراتیک درون جنبش را تقویت و تحکیم نمایند و به نوبه خود در امر تائید رهبری طبقه کارگر موثر افتند.

در اهتزاز با پرچم خونین جنبش دانشجویی ایران مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ای پر فروغ تر با خاطره شهیدای ۱۶ آذر سرگرم، بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های ایران ناپود باد نظر تمام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
۱۶ آذر ماه ۵۸

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ای

لنین ... از فوریه تا اکتبر

تعمق در تجارب انقلاب کبیراکتبر، همیشه برای انقلابیون سراسر جهان حاوی ارزشهای عظیمی بود است. در این ميان مطالعه عمیق آنچه که بر روسیه ۱۹۱۷ بین دو انقلاب فوریه و اکتبر گذشته است جای ویژه ای دارد. بخصوص هرگاه بپذیریم گرایش هایی می کوشند روندهایی را که بین فوریه تا اکتبر در روسیه طی شده است به تمامی وبه نحوی مکانیکی با شرایط و موقعیت کنونی جامعه ما منطبق سازند، ارزیابی همه جانبه این دوره تاریخ ساز روسیه اهمیتی صدچندان می یابد. در این مقاله، از نگاه لنین با جنبه های از فوریه تا اکتبر آشنا می شویم.

کشور حاضر بودند، فاش نمود. در سال ۱۹۱۶ بحران در روسیه اوج می گیرد. ناراضی در همه جا بین کارگران، دهقانان و سربازان خود را نشان می دهد. اعتصابات ابعادی سابقه ای پیدا می کنند. در پی اکتبر ۱۹۱۶ مبارزات توده ای با زهم گسترش بیشتری می یابد. حکومت ناتوانی خود را در برابر امواج طوفانی توده ها نشان می دهد و سال ۱۹۱۷ با امواج وسیع اعتصابات آغاز می گردد. یک اعتصاب سیاسی که در ۲۵ فوریه در پیروگراد آغاز گردید به زودی به یک اعتصاب عمومی تبدیل شد و در ۲۶ فوریه به قیام مسلحانه انجامید.

لنین در فاصله دو انقلاب فوریه تا اکتبر می گوید: "نخستین انقلاب که از اکتبر است، جنگ جهانی است. این نخستین انقلاب است. اما این انقلاب نخواهد بود. ... چگونه چنین معجزه ای تواند به وقوع پیوندد که بساط سلطنتی که قرن ها دوام آورده و در جریان سه سال یعنی از ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ که طی آن بزرگ ترین نبردهای طبقاتی تمام مردم بوفوق پیوسته علیه تمام مشکلات پابرجا ماند، فقط در ظرف ۸ روز برچیده شود؟ ... در طبیعت و تاریخ معجزه

بعد از انقلاب فوریه، نیمی از قدرت سیاسی عملاً در دست شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و سربازان بود.

آن که بارها بر روی تظاهرات کارگری آتش می کشید، امانی تواند قیام توده ها را در هم بشکند. سربازان به طرف کارگران می آیند و بالاخره در اواخر فوریه قیام مردم پیش می رود و سرانجام در ۲۷ مه ماه رژیم استبدادی تزاری و ازگسون می شود و شورای نمایندگان پتروگراد که از نفوذ وسیعی برخوردار بود به عنوان ارگان قدرت انقلابی، حاکمیت را بدست می گیرد. اما نفوذ احزاب خرد بورژوازی (منشویک ها و اسارها) در شورای پتروگراد باعث می شود که یک حکومت موقت بورژوازی سرکار بیاید و در نتیجه به تفویض قدرت به بورژوازی منجر گردد و احزاب بورژوازی به عنوان احزاب حاکم نخستین قیام باید در اسرار قرار بگیرد.

لنین درباره قدرت گیری احزاب بورژوازی در این انقلاب می گوید: "تصادفی نبود که قدرت به دست این حزب افتاد. گرچه کسانی که بر ضد نیروهای تزاری مبارزه کردند و در راه آزادی خون ریختند، البته سرمایه داران نبودند بلکه کارگران و دهقانان، ملوانان و سربازان بودند. علت این که قدرت به دست حزب سرمایه داران افتاد این بود که این طبقه نیروی ثروت، سازمان و معلومات لازم را در اختیار خود داشت."

(لنین، در سبای انقلاب) اما پرولتاریا که در این انقلاب نقش ارزنده ای به عهده داشت، اجازه نمی دهد که بورژوازی تمام قدرت را در دست بگیرد. به این ترتیب که با ایجاد شوراهای

مناسبت نعت و دامن سالگرد انقلاب کبیراکتبر انقلاب کبیراکتبر به منزله آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان

کارگران، دهقانان و سربازان در سراسر کشور عملاً قدرت دوگانه ای در کشور برقرار می گردد. یعنی از قدرت در دست دولت بورژوازی موقت و نیمه دیگر دست شوراهای کارگری و دهقانی باقی می ماند. حزب بلشویک فعالیت خود را برای به سرانجام رساندن انقلاب و پیروزی سوسیالیسم به شدت ادامه می دهد. شوراهای به اجرای وظائف انقلابی می پردازند، اما رهبری منشویک، واسار که رهبرانشان با بورژوازی سازش کرده بودند، نقش انقلابی شوراهای را کاهش داده و قدرت بورژوازی را تقویت می کنند. دولت موقت که قادر به انجام هیچ یک از خواست های کارگران و دهقانان نبود با حقه ها و تاکتیک های عوام فریبانه و اقدامات رفاهی ظاهری به گول زدن توده ها می پردازد و سعی می کند روحیه انقلابی توده ها را تقویت کند و مقاومت آنها را در هم بکشد. اما این حکومت با اقدامات نیم بند خود نتوانست نمی توانست جوایجوی خواست های توده ها و بر آوردن شعارهای توده های قیام کننده باشد بلکه خواستار ادامه جنگی بود که منافع خود را در آن می دید (جنگ امپریالیستی سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸) سرانجام بحران اوج گرفت و در سوم ژوئن همان سال یک اعتصاب سراسری با تظاهرات گسترده در پتروگراد شکل گرفت که بیش از نیم میلیون نفر در آن شرکت کردند.

بورژوازی با شوراهای کسه به صورت ارگان های مبارزه طبقاتی و تبلیغاتی وسیع درآمد بود، مخالف بود. دیری نپایید که دولت بورژوازی ماهیت خود را بر آن بخشاز کارگران و دهقانان روسیه که از دولت انتظار تصمیم گیری های انقلابی داشتند آشکار کردند.

علت اینکه قدرت به دست حزب سرمایه داران افتاد این بود که این طبقه نیروی ثروت، سازمان و معلومات لازم را در اختیار خود داشت.

این دولت حتی به ابتدائی ترین خواست های زحمتکشان که عبارت بود از ۴۸ ساعت کار برای کارگران و زمین به دهقانان، نتوانست پاسخ گوید. لنین درباره اهداف انقلاب و خواست های توده ها از آن نتایج سرکار آمدن دولت بورژوازی چنین می گوید: "در واقع بینیم هدف توده های کارگر و دهقان هنگام دست زدن به انقلاب چه بود؟ چه انتظاری از انقلاب داشتند؟ چنانچه می دانیم انتظار آنها آزادی، صلح و نمان و زمین بود.

ولی اکنون چه می بینیم؟ به جای آزادی؟ به تجدید فعال مایشائی سابق پرداخته اند. برای سربازان در جبهه کیفر اعدام مقرر شده است. دهقانان را به جرم تصاحب خود سرانه زمین ها می مالکین به دادگاه جلب می نمایند. چا پخانه های روزنامه های کارگری را تاراج می کنند. روزنامه های

راترک می گفتند و به صورت موجهائی عظیم و بی مقصد در سراسر این سرزمین پراکنده می شدند. سربازان می گفتند: "آنها که آن بالا نشسته اند همیشه از ما می خواهند که بیشتر فداکاری کنیم، در حالی که آنها بی که همه چیز دارند هیچ کس مزاحشان نیست. آخر به ما بگوئید که برای چه می جنگیم؟ آیا برای اهداف سرمایه داران؟ جنگیم یا برای روسیه آزاد؟ آیا برای دمکراسی می جنگیم یا برای غارتگران سرمایه دار؟ اگر شما به ما ثابت کنید که برای انقلاب می جنگیم در آن صورت ما بدون این که مجازات اعدام مجبورمان کند، به جنگ خواهیم رفت و خواهیم جنگید. وقتی که زمین به دهقانان تعلق بگیرد و کارخانه ها به کارگران و قدرت به سوراها در آن صورت خواهیم دانست چیزی داریم که برای آن بجنگیم و خواهیم جنگید."

دست به این عمل می زند که مردم از نبودن کالادر مضیق اند. اکثریت عظیم دهقانان در کنگرهای دهقانی با بانگی رسا و به نحو روشن اعلام داشته اند مالکیت ملاکان را بر زمین و بی عدالتی و بیخاکری می دانند و حال آنکه دولتی که خود را انقلابی و دمکراتیک می نامد ماه ها است دهقانان را سر می دواند و با وعده دفع الوقت فریبشان می دهد. ... گستاخی دولت در امر دفاع از ملاکین، به جائی رسیده است که دهقانان را به جرم ضبط " خود سرانه" زمین به دادگاه جلب می نماید. دهقانان را سر می دواند و می کوشند آنها را متقاعد سازند که تادعوت مجلس موسسان صبر کنند. ولی دعوت این مجلس را سرمایه داران کماکان به تعویق می اندازند. اکنون که تحت فشار خواست های بلشویک ها این دعوت موقوف به سی ام سپتامبر شده است، سرمایه داران آشکارا فریاد می زنند

لنین تحت عنوان مقاله ای "خطر فلاکت و راه مبارزه با آن" را چنین تصویر می کند: "شش ماه از انقلاب می گذرد فلاکت بیش از پیش نزدیک شده است. بیکاری جنبه همگانی به خود گرفته است. همینقدر فکر کنید، کشور از کمبود خواروبار و کالا و کفایت نبودن نیروی کار دستخوش نابودی است و حال آنکه غلغله مواد خام به حد کافی وجود دارد و آن وقت در چنین کشوری در چنین لحظه بحرانی بیکاری تا این حد دامنه گرفته است. چه برهانی از این بالاتر که طی ۶ ماه انقلاب (که بعضی ها آن را کبیرا می نامند ولی عجلالتا شاید صحیح تر بود آن را بوسیله می نامیدند) با وجود جمهوری دمکراتیک و با وجود این همه اتحادیه و ارگان و موسساتی که با غرور تمام عنوان دموکراتیک انقلابی به خود می دهند، حتی یک اقدام جدی هم بر ضد فلاکت و قحطی به عمل نیامده است؟ ما با سرعتی روز افزون به ورطه شگفتی نزدیک می شویم. زیرا جنگ منتظر نمی شود و پیریشانی موجود در کلیه شئون زندگی مردم که جنگ موجب آن است، دمدم شدت می یابد. و حال آن که انسداد توجه و تعمق در اوضاع کافی است تا یقین حاصل شود که وسایل مبارزه علیه فلاکت و قحطی موجود و اقدامات مبارزه کاملاً روشن و ساده و کاملاً عملی و نیروی مردم هم برای انجام آن کاملاً کافی است و اگر این اقدامات عملی نمی شود علتش فقط و فقط این است که به سودهای گسراف مثنی ملاک و سرمایه دار لطمه می زند." (تاکیدها از رفیق لنین) (لنین، خطر فلاکت و راه مبارزه با آن)

ادامه دارد



چه کسانی می خواهند رهبران جنایتکار امپریالیسم آمریکا ...

بقیه از صفحه ۱

در شان کندها است. جالب است اگر دقت نمود سنا توری که در تلویزیون جمهوری اسلامی از آن تمجید می شود، کیست؟ او محقق است. ایالات متحده در برابر فلسطینی ها حالتی بسیار آشتی جوینانه دارد. و تا کید می کند که: "می باید با فلسطینی ها، قاطعانه تر و خشن تر برخورد شود ..."

(قطب زاده این عضو شورای انقلاب، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و مسئول اصلی سیاست های تبلیغاتی رادیو و تلویزیون می شود کندی ها را که طراح مزورانه ترین برنامه ها، در سرکوب جنبش های زحمتی بخش خلق های سراسر جهان هستند "آدم های خوب و مردان شریف" جلوه دهد.)

همین سیاست تبلیغاتی در روزهای نخست تسخیر سفارت آمریکا ضمن این که خود را مخالف دولت آتش نشسته امپریالیسم نشان می داد، شیوه های تبلیغاتی رندانه ای برای آشتی دادن مردم ما با گرگ های امریکائی به کار گرفت. زمانی که مردم نفرت عمیق خود را از امپریالیسم آمریکا در کوچه و خیابان فریاد می زدند، از تلویزیون برنامه های بخش شده هدف آن فروخواندن خشم و نفرت توده ها نسبت به امپریالیسم آمریکا بود. چند زن امریکائی در صفحه تلویزیون ظاهر شدند که عکس هایی از "تیت الله خمینی" را همراه داشتند. این عکس ها صرفاً برای تحریک احساسات مذهبی مردم و جلب نظر مساعد آنان نسبت به "امریکائی ها" بود.

چند روز پس از تسخیر سفارت آمریکا برنامه اخبار تلویزیون فیلمی بخش گردید که نشان می داد یک زن امریکائی "چادر به سر" در یک خانواده ایرانی "عابد و مسلمان" شده و همسری جوان مسلمان ایرانی و مومن به انقلاب اسلامی در آمده است. این عروس تازه مسلمان شده امریکائی، در کنار همسر مومن ایرانی خود در صفحه تلویزیون ظاهر شد و کوشید این توهم را پدید آورد که آمریکا دوست گذشته و حال و آینده ایرانیان باقی خواهد ماند. و این همه زمانی انجام می گرفت که امپریالیسم آمریکا در وحشت خشم و نفرت توفنده مردم، تظاهرات دانشجو یاران ایرانی را به خون می کشید. تظاهراتی که به حمایت از مبارزات ضدا امپریالیستی - دمکراتیک توده های میهن ما در شهرهای مختلف آمریکا صورت می گرفت.

تحریف اخبار و هم آوازی قطب زاده با نگاه های رادیو - تلویزیونی و خبرگزاری های امریکائی در پی انحراف کشتنیدن مبارزات مردم علیه امپریالیسم آمریکا بدان پایه بود که آقای "بنی صدر" در مطبوعات کشور علناً و آشکاراً به همکار خود در شورای انقلاب و جانشین خود در وزارت امور خارجه حمله کرد. و نشان داد که

"حسن روایت" ایران با آمریکا در صورت روی کار آمدن احتمالی "کندی" فراهم گردد. برای افشا، دقیق ترین سیاست تبلیغاتی در تلویزیون جمهوری اسلامی باید به مساله "صمیمی تر توجه کنیم". در کشورهای امپریالیستی از جمله در امریکائی سرمایه داران انحصارگر بر سر سیم می که از غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان به آنها می رسد با همدیگر اختلاف دارند. این اختلافات باعث می شود که هر کدام از این سرمایه داران در پیکی از دسته بندی های سیاسی شرکت کنند. یک دسته که بیشتر در حزب جمهوری خواه گزدهم آید مانند از انحصارات تولید کننده تسلیحات و ماشین های جنگی دفاع می کنند. و دسته دیگر که بیشتر در حزب دمکرات آمریکا جمع شده اند از منافع سرمایه دارانی که در بخش های مصرفی سرمایه گذاری کرده اند دفاع می کنند. رقابت بین جناح های امپریالیستی در حقیقت چیزی جز جریبوت های سرمایه داران امریکائی برای تأمین منافع خود و متحد نشان در جهان و در میهن ما نیست. آنان برای این که سیاست های خود را به اجرا در آورند به هر کاری متوسل می شوند. این درگیری و مبارزه سیاسی به هنگام انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا دروغ نمی شود و هر گروه سعی می کند برای جلب آرا، بیشتر و بیرون راندن رقیب از بحران ها و درگیری های سیاسی به سود خود بهره برداری تبلیغاتی کند.

آنچه که "سناتور کندی" بر زبان زاند و دست مایه تبلیغاتی قطب زاده شد، چیزی جز یک مانور امپریالیستی برای فریب ما و رای دهندگان امریکائی نبود. کندی چون کاندیدای رئیس جمهوری آمریکا شده با این حرف ها می خواهد چهره جنایتکار امپریالیسم امریکائی بی نشانند. غافل از این که مردم جهان دوران "کندی ها" را هم دیده اند. امپریالیسم، امپریالیسم است چه کارش در راس آنها باشد چه کندی و چه هر کس دیگری.

طرح "انقلاب سفید شاه" و به دنبال آن کشتار فوجیم و وحشیانه خلق ۱۵۰۰۰ خرداد ۴۲ همکاران است. کندی هم همین کندی ها بوده است. انقلاب سفیدی که به بهای فقر و خانه خرابی و ورشکستگی کارگران و دهقانان و کسبه و پیشه وران ایران به برپائی انواع و اقسام صنایع مونتانز و سرازیر شدن سرمایه و کالاهای امریکائی، اروپائی، ژاپنی منجر شد. در زمان ریاست جمهوری کندی به انجم رسید. "کندی ها" طراح یک برنامه تازه برای تحکیم سلطه امپریالیسم امریکائی در میهن ما و کشورهای به اصطلاح "جهان سوم" بودند.

سیاست گسترش جنگ ویتنام، حمله به کوبا، سرکوب جنبش رهاشی بخش در امریکای لاتین و افریقا و دیگر نقاط جهان، کشتار هزاران انقلابی و میهن پرست، از جمله "پاتریس لومومبا"، "چه گوارا" و ... در شمار کارنامه

کارهای قطب زاده آبروی رژیم را می برد. بدون شک بی دلیل نیست که ماشین تبلیغاتی امپریالیسم امریکا از بین چهره های شناخته شده حکومتی قطب زاده را انتخاب می کند و می گوید از وی یک چهره برجسته بسازد و خبرگزاری های امریکا از جمله (NBC) و (ABC) مدام با ایشان "مصاحبه های اختصاصی" ترتیب می دهند. مجله تایمز و دیگر مجلات امریکائی و اروپائی هر بار صفحات خاصی را به این کار اختصاص داده اند. در غرب اینطور وانمود می شود که گویند قطب زاده از برجسته ترین شخصیت های ایرانی است. (گارتز در یک مصاحبه رادیو - تلویزیونی رسماً اقرار کرده است که قبل از آمدن شاه به امریکا از یزدی و بازرگان درباره واکنش دولت جمهوری اسلامی، نسبت به مسافرت شاه به امریکا نظر خواهی کرده است، و هیچکدام مخالفت جدی ایران را با این امر به او اعلام نکرده اند. اینک پس از ۹ ماه که از قیام خونین مردم ما می گذرد کوس رسوائی دوستان همدل قطب زاده بر سر ما هم زده شده است. مقامات مسئول و محبوب دیروز، امروز کم و بیش رسوائی تمام و خالص اند. دیروز کوس رسوائی یزدی و بازرگان وی با "سایروس ونس" بر سر ما هازده شد و فردا یزدی و بازرگان صادق قطب زاده، این دوست نزدیک "کوتام" کارشناس وزارت امور خارجه امریکا در امور ایران برملا خواهد شد. مانند معروف یزدی - چمران - قطب زاده به صیانت مهندس بازرگان نخست وزیر دولت، دشمنی خود را با مبارزه ضدا امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایرانی و انقلابیون و نیروهای ترقی خواه به اندازه کافی اثبات نمودند. آنها از هیچ کوششی برای پیشبرد سیاست تبلیغاتی که در خدمت امپریالیسم امریکا و سرمایه داری وابسته بدان است کوتاهی نکردند. سیاستی که از جمله قطب زاده مجری آن است می گوید این طور وانمود کند که همه سیاستمداران امریکائی "بد" نیستند، عیب از گارتز است نه امپریالیسم امریکا) در دستگاه خاکمه امریکا هم آدم خوب پیدا می شود هم آدم بد. و "کندی ها" از همان امپریالیست های "خوب" هستند. که گویند ایشان به حال بشر و برای مردم ماسوخته است. این سیاست بسا مهارت امپریالیسم را به مثابه مجموعه سیاست های تویس و تبلیغ می کند که تنها برخی از آنها علیه مردم ما به کار گرفته می شوند و بقیه آنها به سود مردم است. اکنون که "کندی ها" غوا فریبی خود را برای جلب آرا مردم امریکا تشدید کرده اند، اکنون که "ادوارد کندی" منافع خود را در حمله به شاه تشخیص داده و مدعی شده که شاه با سیاست هایش به منافع امریکا آسیب رسانیده و گارتز به بوده او را به امریکا راه داده است، اکنون که گارتز آبرویش را باخته و کندی می گوید آب رفته را به جوی بازگرداند، اکنون که گارتز دارد می رود تا کندی به یازده جای او را بگیرد، تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در برنامه خبری دو شنبه شب (۱۲ آذر ۵۸) بی شرمانه می گوید "حاج الحق، ذهن الباطل" آری این است مفهوم حق و باطل از نظر این دستگاه تبلیغاتی کندی می آید، گارتز می رود.

شرکت فعال در مبارزات سیاسی - صنفی دانشجویان چهره ای شخص پیدا کرد و در پی همین فعالیت ها بود که به سرکازی فستاده شد. پس از پایان سرکازی به دانشگاه بازگشت. در انتخابات شرکت های تعاونی دانشجویان یکی از اعضای هیئت مدیره بود. پس از تحریریم امتحانات سال ۵۵ تصمیم گرفت که دیگر به درس ادامه ندهد و رجنوب به کار لوله کشی و جوشکاری پرداخت. این کاری بود که قبلاً هم تابستان ها برای کمک به وضع مالی خانواده اش انجام می داد. سرانجام به سازمان چریک های فدائی خلق پیوست و پس از یک سال و نیم زندگی مخفی در ۱۸ آذر ۵۷ در یک برخورد مسلحانه درجه سزاده خرم آباد به مجرد به پادش رسید. خون ماس به خون دیگر شهدا پیوست. روزی سیلاب این خون امپریالیسم را نابود خواهد کرد. یاد او را گرامی می داریم

س. پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه در همان شهر، وارد دانشکده کشاورزی کرج شد. با پایان دانشکده برای خدمت سربازی به تربت جام رفت. در تاریخ ۲۸ شهریور ۵۲ در محفل خدمت دستگیر شد و دو سال در زندان بود. پس از آزادی در شرکت ایلاتر به کار مشغول شد. در تاریخ ۲۳ آذرماه ۵۵ دستگیر شد و مزدوران ساواک که موفق به کشف ارتباط او با سازمان نشده بودند این فدائی راستین خلق را در زیر شکنجه به شهادت رساندند. پادش گرامی باد

گرامی باد خاطر همه شهدای ...

خرداد ۱۳۵۰ در وزارت منابع طبیعی استخدام شد و در تیرماه همان سال زندگی مخفی خود را آغاز کرد. در ۱۸ شهریور ۱۳۵۰ ضمن درگیری در خانه سازمانی کوی کن با ایجاد سد آتش در مقابل دشمن فرار به تن از پارانیش (از جمله شاهرخ هدایتی و فرح سپهری) را تسهیل کرد و خود به دام پلیس افتاد. در بیمارستان ارتش چندین بار بخیه های راه قصد خودکشی پاره کرد ولی موفق نشد. مزدوران ساواک تا ۱۱ روز حتی سام او را می دانستند. در آذرماه پس از تحمل شکنجه های بسیار در زیر شکنجه به شهادت رسید. در دی ماه ۵۰ ساواک با تحریف حقایق شهادت او را در یک درگیری اعلام کرد.

مردم میهن ما ناقص کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

اتحاد و مبارزه کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان آذربایجان

بقیه از صفحه ۱

بانوشتن شعارهای انقلابی که اهداف و منافع کارگران و زحمتکشان را دربرداشته باشد، بانوشتن اعلامیهها و تراکت‌های افشاگرانه، درافشای هرچه بیشتر این حرکت‌های ضدانقلابی و در جهت ارتقاء آگاهی توده‌ها بکوشید.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان (نقل از فوق‌العاده نشریه راه سرخ، آذرماه ۱۳۵۸)

متن اعلامیه‌های که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه منتشر کرد

نقل از فوق‌العاده نشریه راه سرخ تاریخ ۱۶ آذرماه

راهپیمائی پنجشنبه ۱۵ آذرماه تبریز را

تحریم میکنیم

کذائی خبرگان پرنماید، بان که از شرکت در برای گیری قانون اساسی خود داری کرده و از زحمتکشان ایران خواستیم که در برای گیری شرکت ننمایند، علیرغم تمامی مسائل پیاد شده از آنجا که دعوت کنندگان راهپیمائی روز پنجشنبه ۱۵ آذر خود مدافع سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم هستند و فرصت طلبانه می‌خواهند مردم را به دنبال خود بکشاند تا اهداف پلید و صید ارتجاعی تر از مفاد مرتجعانه قانون اساسی را به تصویب برسانند، امپریالیسم و وابستگیش است، تحریم می‌کنیم و از تمامی خلق زحمتکش آذربایجان می‌خواهیم که با تحریم انقلابی خود، طرفداران شاهپور بختیار این سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا و مرتجعان فرصت طلب مدافع سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را افشاکند.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان ۱۵ آذر ۵۸

می‌گیرد حرکت نماید. هواداران سازمان، روشنفکران انقلابی هوادار طبقه کارگر، شما باید از هرگونه شرکت در تظاهرات راهپیمائی و میتینگ‌های لیبرال‌ها خودداری نمائید. در هر جا که هستید، در کارخانه و کارگاه، در شهر و روستا در مدرسه و دانشگاه، در کلیه اماکن عمومی و خصوصی از طریق صحبت و گفتگو با مردم، ماهیت درگیری‌های فوق‌رایه‌نسان توضیح دهید. اهداف طبقه کارگر در انقلاب را ترویج و تبلیغ نمائید.

متن اعلامیه‌های که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه منتشر کرد

نقل از فوق‌العاده نشریه راه سرخ تاریخ ۱۶ آذرماه

راهپیمائی پنجشنبه ۱۵ آذرماه تبریز را

تحریم میکنیم

خلق قهرمان آذربایجان عده‌ای بنا بر افشای گوناگون از قبیل حزب ایران (حزب شاهپور بختیار خائن) و... طی تراکت‌ها و اعلامیه‌های گوناگون مردم تبریز را به راهپیمائی علیه قانون اساسی تدوین شده در مجلس خبرگان دعوت کرده‌اند. آنها به این دلیل که قانون اساسی "حاکمیت ملی" را نادیده گرفته است و به این سبب که چون نظریات آیت‌الله شریعتمداری را نشان نداده، مردم را در روز پنجشنبه ۱۵ آذر ۵۸ به راهپیمائی اعتراضی دعوت نموده‌اند.

ما ضمن آن که بارها اعلام کرده‌ایم که قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان نقض آشکار حقوق کارگران، دهقانان، خلق‌ها، زنان و... است، بان که اعلام کرده ایم که مجلس خبرگان صلاحیت تدوین قانون اساسی را نداشته و هیئت حاکمه حق نداشت مجلس موسسان، مجلس شوراهای کارگران، دهقانان و سربازان را منحل و جای آن را با مجلس

فانون اساسی بود، فرصت را برای اعمال نظریات خود مناسب تشخیص داده با هوچی‌گری و با تحریک احساسات پاک مذهبی مردم آنها را دعوت به تظاهرات متبک و راهپیمائی نمودند. حرب جمهوری اسلامی خلق مسلمان، همراه با حرب شاهپور بختیار خائن (حزب ایران) با دعوت به راهپیمائی روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه مقدمات این عمل که مقارن با درگیری سربوهای مسلح این دو جناح از روحانیت در اطراف منزل آیت‌الله شریعتمداری در قم است، مناسبت نزن و وسیله تبلیغی و تهبیجی را به دست حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان می‌دهد تا با هوچیگری و تحریک عواطف مردم ناآگاه آنان را علیه روحانیت حاکم بسیج کرده و به دنبال اهداف پلید خود بکشاند.

متن اعلامیه‌های که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه منتشر کرد

نقل از فوق‌العاده نشریه راه سرخ تاریخ ۱۶ آذرماه

راهپیمائی پنجشنبه ۱۵ آذرماه تبریز را

تحریم میکنیم

خلق قهرمان آذربایجان عده‌ای بنا بر افشای گوناگون از قبیل حزب ایران (حزب شاهپور بختیار خائن) و... طی تراکت‌ها و اعلامیه‌های گوناگون مردم تبریز را به راهپیمائی علیه قانون اساسی تدوین شده در مجلس خبرگان دعوت کرده‌اند. آنها به این دلیل که قانون اساسی "حاکمیت ملی" را نادیده گرفته است و به این سبب که چون نظریات آیت‌الله شریعتمداری را نشان نداده، مردم را در روز پنجشنبه ۱۵ آذر ۵۸ به راهپیمائی اعتراضی دعوت نموده‌اند.

ما ضمن آن که بارها اعلام کرده‌ایم که قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان نقض آشکار حقوق کارگران، دهقانان، خلق‌ها، زنان و... است، بان که اعلام کرده ایم که مجلس خبرگان صلاحیت تدوین قانون اساسی را نداشته و هیئت حاکمه حق نداشت مجلس موسسان، مجلس شوراهای کارگران، دهقانان و سربازان را منحل و جای آن را با مجلس

نوده هزار در مجاری ماسوران ساواک منع کرده و با ضدانقلابی ظممداد کردن اینگونه حرکات مانع گسترش و هرچه عمیق شدن جنبش و دخالت مستقیم نوده هادار اداره انقلابی امور و به محازات رساندن ماسوران سرسیده امپریالیسم شدند. جناح لیسرال‌ها که مخالف حاکمیت روحانیت جناح آیت‌الله حبیبی و دخالت آنها در امور اقتصادی سیاسی، نظامی کشور بودند، به اعتبار منافع مشترکشان با جناح آیت‌الله شریعتمداری عملاً به دور او حلقه زدند.

متن اعلامیه‌های که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه منتشر کرد

نقل از فوق‌العاده نشریه راه سرخ تاریخ ۱۶ آذرماه

راهپیمائی پنجشنبه ۱۵ آذرماه تبریز را

تحریم میکنیم

خلق قهرمان آذربایجان عده‌ای بنا بر افشای گوناگون از قبیل حزب ایران (حزب شاهپور بختیار خائن) و... طی تراکت‌ها و اعلامیه‌های گوناگون مردم تبریز را به راهپیمائی علیه قانون اساسی تدوین شده در مجلس خبرگان دعوت کرده‌اند. آنها به این دلیل که قانون اساسی "حاکمیت ملی" را نادیده گرفته است و به این سبب که چون نظریات آیت‌الله شریعتمداری را نشان نداده، مردم را در روز پنجشنبه ۱۵ آذر ۵۸ به راهپیمائی اعتراضی دعوت نموده‌اند.

ما ضمن آن که بارها اعلام کرده‌ایم که قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان نقض آشکار حقوق کارگران، دهقانان، خلق‌ها، زنان و... است، بان که اعلام کرده ایم که مجلس خبرگان صلاحیت تدوین قانون اساسی را نداشته و هیئت حاکمه حق نداشت مجلس موسسان، مجلس شوراهای کارگران، دهقانان و سربازان را منحل و جای آن را با مجلس

کهنه کار حبسه ملی، روحانیون و سرمایه‌داران لیسرال (عقب‌انحصاری) که حاکمیت اقتصادی و سیاسی جناح انحصاری سرمایه‌داری وابسته مانع رشد و افزایش سریع سرمایه‌آنان بوده و عملاً آنها را در کنار کود سیاست نگه داشته بود درحالی‌که به ندرت از وضع پیش آمده، یعنی رشد حبیبی انقلابی زحمتکشان ایران، به‌واسطه افتاده بودند، به سرهم، ماه نصیحت می‌کردند، "دیگراسی" به‌دهد تا نظام سلطنت، نظام ناهنتمائی، نظام سرمایه‌داری حفظ شود.

متن اعلامیه‌های که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه منتشر کرد

نقل از فوق‌العاده نشریه راه سرخ تاریخ ۱۶ آذرماه

راهپیمائی پنجشنبه ۱۵ آذرماه تبریز را

تحریم میکنیم

خلق قهرمان آذربایجان عده‌ای بنا بر افشای گوناگون از قبیل حزب ایران (حزب شاهپور بختیار خائن) و... طی تراکت‌ها و اعلامیه‌های گوناگون مردم تبریز را به راهپیمائی علیه قانون اساسی تدوین شده در مجلس خبرگان دعوت کرده‌اند. آنها به این دلیل که قانون اساسی "حاکمیت ملی" را نادیده گرفته است و به این سبب که چون نظریات آیت‌الله شریعتمداری را نشان نداده، مردم را در روز پنجشنبه ۱۵ آذر ۵۸ به راهپیمائی اعتراضی دعوت نموده‌اند.

ما ضمن آن که بارها اعلام کرده‌ایم که قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان نقض آشکار حقوق کارگران، دهقانان، خلق‌ها، زنان و... است، بان که اعلام کرده ایم که مجلس خبرگان صلاحیت تدوین قانون اساسی را نداشته و هیئت حاکمه حق نداشت مجلس موسسان، مجلس شوراهای کارگران، دهقانان و سربازان را منحل و جای آن را با مجلس

اعتراض پرسنل انقلابی ارتش

۳- افشای چند عنصر ضد انقلابی و ضد خلق مانند استوار فاضلی - استوار امیران و سروان توسل‌نیا که در گذشته از مزدوران ضد اطلاعات بوده و اکنون خود را سخت طرفدار اسلام معرفی نموده و با شرکت در کشتار خلق کسزد می‌کوشند و فاداری خود را به جمهوری اسلامی نشان دهند. نظامیان خواستار اخراج این مزدوران هستند.

روز چهارشنبه ۱۶ آبان ماه گروهی ارفسران و درجه داران و سربازان یادگان تیب یک زرهی اسلام آباد (شاه آباد غرب) در ساعت ۷ شب اقدام به یک راهپیمائی اعتراضی نمودند. این راهپیمائی از محل گردان ۱۳۲ شروع و به طرف ستاد ادامه یافت. در مسیر پرسنل دیگر یادگان به آنها ملحق شدند. راهپیمایان اعتراض در مقابل دفتر فرماندهی مستقر شده مسائل و خواست‌های صنفی - سیاسی خویش را با شرح ریز اعلام می‌دارند.

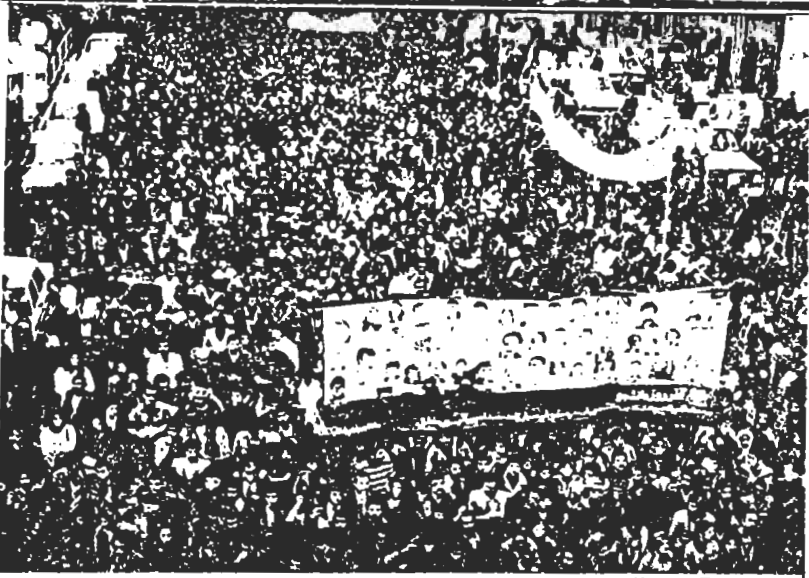
۱- لزوم تعطیل پنجشنبه
۲- اعلام اعتراض نسبت به اعرامشان به کردستان و اعلام این که حاضر به کشیدن اسلحه بر روی برادران کرد خود نیستند.

جناح‌های مختلف روحانیت با در پیش گرفتن سیاست‌های جاه‌طلبانه و مرتجعانه خود و با سوء استفاده از نیروی لاسرال نوده‌ها، مبارزه ضد امپریالیسمی آنان را به انحراف کشیده و آن را به عنوان وسیله ای در خدمت قدرت طلبی‌های خود فرار داده‌اند.

هدف آیت‌الله شریعتمداری از انتقاد به ماده ۱۱۰ قانون اساسی که ولایت فقیه را رسمیت داده است نه به دلیل این که این قانون اراده نوده‌ها، اراده و سوراها کارگران، دهقانان، سربازان را نادیده گرفته و زیر پا می‌گذارد بلکه از این موضع است که چرا اراده سرمایه داران لیبرال یعنی سهم این جناح در حاکمیت بورژوازی (به ظاهر می‌گویند حاکمیت ملی) را نادیده گرفته است.

آیت‌الله شریعتمداری، حزب او و سرمایه‌داران هوادار انسان از این می‌ترسند که ماد شریاطی فراهم آمد که میاد انسان از قدرت سیاسی به دور نگه داشته شوند. از این رو آنان در روزهای اخیر که روزهای رای گیری

نابود باد توطئه سازشکاران و فرصت طلبان



روز ۱۶ آذر، سالروز شهادت شریعت‌رضوی، بزرگنیا و قندچی به دعوت سازمان دانشجویان پیشگام، دهها هزار تن در دانشگاه صنعتی پلای تکنیک گرد آمدند، شرکت کنندگان در این مراسم ضمن گرامی داشت خاطره‌شهادی ۱۶ آذر و همه شهدای خلق، آمادگی خود را برای مقابله با تهدیدات و تجاوزات امپریالیسم امریکایی اعلام داشتند. در این مراسم پیام‌های پشتیبانی زیادی خوانده شد و در پایان شرکت کنندگان در صفوفی فشرده در حالی که علی‌المرتبه امپریالیسم امریکایی شعار می‌دادند، بسوی مرکز جاسوسی امریکایی راهپیمایی پس از قرائت قطعنامه سازمان دانشجویان پیشگام خاتمه یافت.

جاسوسان ارتش در خدمت تصفیه نیروهای آگاه و مبارز در آموزش و پرورش

درا مرپه‌ای که فرمانده‌ها و اندام‌های جمهوری اسلامی به پیروی از ستاد مشترک ارتش خطاب به یگان‌های تابعه و اندام‌های صادر کرده است از مسئولین یگان‌ها خواسته می‌شود که پرسنل زیر دست خود را تشویق به ایجاد شبکه‌های جاسوسی علیه نیروهای مبارز در آموزش و پرورش به ویژه آموزشگاران نمایند. در این عمل ضد مردمی به افسران "مورد اعتماد" توصیه می‌شود از فرزندان خردسال خویش به عنوان جاسوک‌های این شبکه‌ها استفاده کنند. در

اعلامه مذکور که در رده "محرمانه" - بکلی سری - رده بندی شده است رهنمودهای مورد نیاز این شبکه‌های جاسوسی آمده است. ما با درج این سند افشاگرانه خلق ایران و نیروهای آگاه و مبارز را در جریان یکی دیگر از توطئه‌های پلییدی که نشانگر ماهیت ضد مردمی ارتش و نیروهای مشابه آن است قرار می‌دهیم. باشد که از راه افشاکاری علیه این نهادها و ضد خلقی توطئه‌هایی را که علیه نیروهای انقلابی چیده می‌شود غشی کنیم.

... این سند از سوی سازمان اسرار
به جاسوسان و اطلاعاتی که در سازمان اسرار
موجود است و به آنها داده شده است. در صورت
نیاز به اطلاع‌رسانی به سایر یگان‌ها و
سازمان‌ها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.
این سند را باید در جای امن و محرمانه نگاه
داشت و از افشای آن به هر چه می‌تواند اجتناب
نمود. در صورت نیاز به اطلاع‌رسانی به
سایر یگان‌ها و سازمان‌ها می‌تواند مورد
استفاده قرار گیرد. این سند را باید در
جای امن و محرمانه نگاه داشت و از افشای
آن به هر چه می‌تواند اجتناب نمود.

گرامی باد خاطره همه شهدای بخون خفته خلق



فدائی شهید رفیق
سیروس سپهری

رفیق شهید سیروس سپهری در سال ۱۳۲۶ در شهرستان بابل متولد شد. پس از تحصیلات دبیرستانی در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده کشاورزی شد. یک بار در اسفند ۱۳۴۶ بازداشت شد، سپس به سرپازی رفت. پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در بقیه در صفحه ۹



فدائی شهید رفیق
زهره آقاخانی زهکی

آذرمه نیز مثل همه‌ماهای دیگر سال، معادفاست با شهادت فرزندان راستین خلق‌های قهرمان ایران. سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران همراه با گرامی داشت خاطره مبارزات شهدای خود، یاد همه شهدایان خلق را گرامی می‌دارد و راه‌سرخ شهدای فدائیان را که در راه آرمان طبقه کارگر، دهقانان و همه زحمتکش‌ان میهن به شهادت رسیدند، با ایمان به پیروزی خلق ادامه می‌دهد.



فدائی شهید رفیق
پرویز نصیر مسلم

مستحکم باد پیوند مبارزاتی خلقهای ایران
پیام هیئت نمایندگی خلق کرد به کنگره شوراهای
روستائی ترکمن صحرا

داخلي است حيات سياسي و اجتماعي آنها را چنان به هم گره زده است که تامین حقوق ملّی هر یک از این خلق‌ها جدا از دیگران امکان پذیر نیست. در این میان خلق مبارز ترکمن که هم بار ستم ملّی را به دوش می‌کشند و سال‌ها دراز به سینه زمین داران بزرگ استثمار شده است با تشکل چشمگیر خود در صف مبارزات خلق‌های ایران جای خاصی پیدا کرده است. مبارزه امپریالیسم تبعیض تاریخی سنگینی همانا امپریالیسم جهانی و ارتجاع

خلق مبارز ترکمن. در این لحظات حساس تاریخ مبارزات خلق‌های ایران، خلق کرد به مثابه پرچمدار مبارزه در راه استقرار خود مختاری بر این عقیده است، حل مسأله ملّی در کردستان تنها در پیوند با تأمین خواست‌های زحمتکش و دیگر خلق‌های ایران امکان پذیر است. خلق‌های کرد، عرب، ترکمن، بلوچ و ترک هر چند ویژگی‌های خاص خود را دارند، لیکن ست‌های ملّی و طبقاتی و وجود دشمن مشترک که همانا امپریالیسم جهانی و ارتجاع

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکلی پیوسته‌ای هوا داران است. کمک‌های مالی خود را از هر طریق که می‌شنا سید و اطمینان دار بد به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجا که نمرته‌هایی دیده شده است که عده‌ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌پردازند، به دوستان و رفقاء توصیه می‌کنیم برای اطمینان از دریافت کمک‌ها ایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم که خود شما انتخاب کرده‌اید، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید. سازمان "کد" مورد انتخاب شما را با رقم مبلغی (بهریال) که به سازمان پرداخته‌اید جمع کرده و با حرف اول نام شما در نشریه کار به چاپ می‌رساند و به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی شما به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که این رابطه به هیچ وجه ضمانت تشکیلاتی نداشته و هرگز نمی‌تواند رابطه سیاسی - تشکیلاتی تلقی شود. ما از هم میهنان مبارزمی خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شویم.

توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکلی پیوسته‌ای هوا داران است. کمک‌های مالی خود را از هر طریق که می‌شنا سید و اطمینان دار بد به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجا که نمرته‌هایی دیده شده است که عده‌ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌پردازند، به دوستان و رفقاء توصیه می‌کنیم برای اطمینان از دریافت کمک‌ها ایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم که خود شما انتخاب کرده‌اید، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید. سازمان "کد" مورد انتخاب شما را با رقم مبلغی (بهریال) که به سازمان پرداخته‌اید جمع کرده و با حرف اول نام شما در نشریه کار به چاپ می‌رساند و به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی شما به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که این رابطه به هیچ وجه ضمانت تشکیلاتی نداشته و هرگز نمی‌تواند رابطه سیاسی - تشکیلاتی تلقی شود. ما از هم میهنان مبارزمی خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شویم.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر